



# دامپرووران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## ماهنامه تحلیلی - کشاورزی

شماره انتشار بین المللی ISSN 1680-1350

### صاحب امتیاز:

نشر آوران اقتصاد سبز

### مدیر مسوول:

مهندس محسن بیژن پور

mnbijanpoor@yahoo.com

### قائم مقام مدیر مسوول و دبیر هیات تحریریه:

منصور انصاری

ansari@damparvaran.com

### خبرنگار - دبیر سازمان آگهی‌ها:

حجت اله انصاری (جابری)

### ویراستار و دبیر گزارش:

فرانک مسعودی

### خبرنگاران:

عبدالحسین باخدا، سیاوش انصاری، محدثه بیک‌زاده

### همکار مترجم این شماره:

مرجان کفایتی

### طراح، صفحه آرا و حرفچینی:

عمار هاشمی

### طرح جلد و صفحات رنگی:

گروه مطبوعاتی و انتشاراتی آفرنگ

۶۶۹۱۳۱۶۲ و ۰۹۱۲۱۳۸۸۶۱۲

### چاپ:

نقره آبی

خیابان جمهوری، بین فخر رازی و دانشگاه

پلاک ۱۱۶۰

تلفن: ۶۶۴۶۸۷۳۹

### لیتوگرافی:

نقره آبی

خیابان انقلاب، بین ابوریحان و دانشگاه، ساختمان فروردین

طبقه ۲، واحد ۶

تلفن: ۶۶۴۰۶۲۲۴

### صحافی:

الفبا ۶۶۲۳۰۶۵۲

نشانی: تهران - میدان توحید - خیابان توحید

خیابان نادر - پلاک ۳۷

تلفن: ۵۴-۶۶۹۴۶۲۵۰، ۶۶۹۱۳۱۶۲، فکس: ۶۶۹۱۳۱۶۳

همراه: ۰۹۱۲۱۳۸۸۶۱۲، جابری، ۰۹۱۲۱۳۹۱۰۵، انصاری

کدپستی: ۱۴۵۷۸۸۴۸۷۱

## ◆ آنچه در این شماره می‌خوانید:

- ۱۰ ..... عدم تقارن بایسته دیدگاهی میان مجلس و دولت در مبانی کشاورزی (سر مقاله)
- ۱۲ ..... شرکت صنایع شیر ایران (پگاه) مجموعه‌ای دانش بنیاد و پیشرو در عرصه صنایع لبنی کشور
- ۱۴ ..... محققان دام و طیور سراسر دنیا از یافته‌های نوین علمی خود می‌گویند
- ۱۶ ..... نگاهی گذرا به «دامپرووران» در سالی که گذشت، چکیده‌ای از تحلیل‌ها و مهمترین مقالات
- ۱۷ ..... رئیس جمهوری آینده چه کسی خواهد بود و چه کاری باید برای کشاورزی کشور انجام دهد
- ۱۸ ..... آب سفره‌های زیر زمینی را نابود کردیم، از خود کفایی هم فاصله گرفتیم
- ۱۹ ..... رئیس جمهور جدید و تولید رهیافتی به سیاست‌های دولت یازدهم در حوزه تولیدات کشاورزی
- ۲۲ ..... جای دیپلماسی کشاورزی در دیپلماسی عمومی کشور خالی است
- ۲۵ ..... برنامه‌ای که می‌خواهد مشکلات عمیق کشاورزی را رفع کند از شعار و تعارفات سیاسی فاصله بگیرد!
- ۲۹ ..... «کشت فراسرزمینی» رهیافتی عاجل به سوی امنیت غذایی با حفظ منابع پایه
- ۳۲ ..... برگزاری موفق چهارمین کنگره خانه کشاورز، مهم‌ترین رخداد تحول‌ساز کشاورزی در دهه گذشته
- ۳۵ ..... کارت یارانه مصرف شیر و مواد لبنی، تاثیرگذارترین یارانه به دامداران واقعی
- ۴۱ ..... قوانین و مقررات کشاورزی شمشیرهای چوبین نیستند اجرای آنها را جدی بگیریم!
- ۴۳ ..... با اجرایی شدن قانون انتزاع، چگونگی تنظیم بازار پر سس اساسی از وزیر جهاد کشاورزی خواهد بود
- ۴۸ ..... سهم بخش کشاورزی از مرحله دوم هدفمندی یارانه‌ها چقدر است؟
- ۵۵ ..... خلاصه مقالات به انگلیسی

## سر مقاله

### عدم تقارن بایسته دیدگاهی میان مجلس و دولت در مبانی کشاورزی

ابتدا در توضیح مفهوم این تیترباید گفت که الزاماً و همیشه تمایز و تفاوت دیدگاه میان مجلس و دولت امری طبیعی و حتماً سازنده و در وجه مثبت تاثیر گذار است، زیرا گرچه این دو لاملحاله و در تحلیل نهایی نماینده مردم و منتخب آنان هستند ولی از منظر قبول مسئولیت‌ها و شرح وظایف، جایگاه‌های متفاوت و متمایز دارند، در واقع مجلس ناظر بر دولت است و دولت پاسخگو به مجلس، چون این احتمال وجود داشته و دارد که دولت نماینده یک جناح و نحله فکری خاص بوده حال آنکه مجلس، الزاماً می‌بایست نماینده طیف گسترده‌تری از مردم و جناح‌های سیاسی باشد. دوم اینکه رابطه دولت با مردم بعد از انتخابات و تشکیل و انتصاب، غیرمستقیم و از طریق تشکل‌ها، سندیکاها و... ادامه در صفحه ۱۰

www.damparvaran.com

E-mail: damparvaran\_magazine@yahoo.com

E-mail: damparvaran@damparvaran.com



## عدم تقارن بایسته دیدگاهی میان مجلس و دولت در «مبانی کشاورزی»

حالی که مجلس از طریق شنیدن روزانه صدای مردم، مطالبه محور و خواستار رفع کمبودها و پاسخگویی به اعتراضات است و در عین حال قوانین، مقررات و دستورالعمل‌های اجرایی برای دولت و کشور را مصوب می‌کند. اما بحث این نوشته بیان این مفاهیم نیست، تقریباً همگان این مضامین را کم و بیش می‌دانند و قبول می‌کنند، «بحث، تضاد دیدگاه در مورد مبانی کشاورزی میان مجلس و کمیسیون کشاورزی به عنوان جزئی از مجلس و وزارت جهاد کشاورزی دولت یازدهم است». به اصطلاح عامیانه در حوزه مبانی اصلی کشاورزی یکی از «آشن دره» می‌گوید دیگری از «مشن دره» اینکه مجلس و نمایندگان آن ماهیتاً چه سمت و سویی دارند و بعضاً چگونه فکر می‌کنند بحثی است مطول، مفصل و خارج از این مختصر، اما جستجوی جایگاه بایسته کمیسیون کشاورزی مجلس در حوزه مسائل نظری بخش کشاورزی ضروری است، زیرا موضوع شرح و بسط تفاوت دیدگاه این نهاد با وزارت جهاد کشاورزی در میان است. واقعیت این

ابتدا در توضیح مفهوم این تیتیر باید گفت که الزاماً و همیشه تمایز و تفاوت دیدگاه میان مجلس و دولت امری طبیعی و حتماً سازنده و در وجه مثبت تاثیرگذار است، زیرا گرچه این دو لامحاله و در تحلیل نهایی نماینده مردم و منتخب آنان هستند ولی از منظر قبول مسئولیت‌ها و شرح وظایف، جایگاه‌های متفاوت و متمایز دارند، در واقع مجلس ناظر بر دولت است و دولت پاسخگو به مجلس، چون این احتمال وجود داشته و دارد که دولت نماینده یک جناح و نحله فکری خاص بوده حال آنکه مجلس، الزاماً می‌بایست نماینده طیف گسترده‌تری از مردم و جناح‌های سیاسی باشد. دوم اینکه رابطه دولت با مردم بعد از انتخابات و تشکیل و انتصاب وزراء، غیرمستقیم و از طریق تشکل‌ها، سندیکاها و یا نهادهایی است که تثبیت شده‌اند اما مجلس می‌تواند نماینده مستقیم، سر صحنه و یا اصطلاحاً آنالاین مردم باشد، ثالثاً دولت در مضمون و محتوا در قالب بودجه‌ای واحد و یکساله و یا برنامه‌های تدوینی پنج ساله عمل می‌کند در

است که این کمیسیون ضعیف‌ترین کمیسیون مجلس است حتی اگر افراد قدرتمند و تاثیرگذاری چون مهندس عباس رجائی و یا ناصر صالحی نسب و یونس اسدی در آن باشند، گفته می‌شود اکثریت اعضای آن به انتخاب خود عضوین کمیسیون نشده‌اند بلکه لابی‌های قدرتمند مجلس ابتدا کمیسیون‌های مهم را با حضور نمایندگان پرنفوذ پر می‌کنند و سپس نوبت به کمیسیون کشاورزی می‌رسد، حال اعضای چنین نهادی وارد صحنه رسانه‌ها شده و الزاماً در مورد «مبانی کشاورزی» کشور اظهار نظر می‌کنند، منهای تعداد محدودی از اعضای این کمیسیون که مفاهیم کلی و نظریه‌های مختلف کشاورزی مدرن را از طریق رسانه‌های تخصصی مرتبط یا گزارش‌های پژوهشی در سطح کشور یا عرصه جهانی مطالعه و رصد می‌کنند، آنچه که سایر اعضا می‌گویند تفاوت ماهیتی با دیدگاه‌های نظریه پردازان کشاورزی در دولت یا مراکز علمی و آکادمیک دارد. چه بسا اینان در چارچوب راهبردهایی که خود تعریف می‌کنند و به گمانشان درست است، سخن به راستی می‌گویند و لذا آنچه که سایرین اظهار می‌کنند را به زیان مصالح و منافع ملی کشور می‌دانند ولی تفاوت و تضاد دیدگاه میان این دو یا سه نهاد در حوزه «مبانی اصلی کشاورزی» مسأله‌ساز و موجب ایجاد بحران در تصمیم‌گیری و اجرا می‌شود، این تمایز و تفاوت با آنچه که در حوزه جایگاه دو نهاد مجلس و دولت گفته شد فرق بسیار دارد، طبیعی است که مجلس، دولت را مورد پرسش، مؤاخذه، انتقاد و نهایتاً استیضاح قرار دهد که چرا در مورد این یا آن تصمیم کشاورزی به این یا آن شیوه ناصواب عمل کرده است ولی اینکه یک نماینده عضو کمیسیون کشاورزی مجلس بگوید که راه نجات مملکت گسترش کشاورزی معیشتی و تکیه بر روستائیان است و دولت

بگوید در کشاورزی اقتصادی و بهبود بهره‌وری است، یکی بگوید در محاصره آب و غذا قرار داریم و دیگری بگوید ما در بدترین شرایط تحریم، ۷ میلیون تن گندم وارد کردیم و اتفاقی هم نیفتاد، یکی بگوید باید از تکنولوژی‌های مدرن برای کاشت، داشت و برداشت موجود در صحنه جهانی استفاده کنیم و راندمان بهره‌وری آب را به هر طریق به ۶۰ درصد افزایش دهیم و دیگری بگوید نیازی به این دنگ و فنگ‌های ذلت بار و دست دراز کردن به سوی دشمن نیست، یکی بگوید باید همین محدوده ۸ میلیون هکتار زمین آبی را با استفاده از دانش و تکنولوژی و با اتکا به مزیت محوری و کشاورزی اقتصادی اداره کنیم و دیگری بگوید ۱۶ میلیون هکتار زمین قابل استفاده داریم و با همین امکانات باید این سطح را زیر کشت ببریم و موضوع کمبود آب بحثی جدی نیست، یکی بگوید تولید فرا سرزمینی را گسترش دهیم و دیگری بگوید نه، نیازی نیست و دهها سرفصل و مبانی دیگر که مورد اختلاف و تناقض در موضع‌گیری است؛ حتماً مسئله ساز است. لذا باید طی جلسات مباحثه، گفتگو، آموزش و ترویج که هر کدام از این دو نهاد می‌توانند برای دیگری بگذارند، یکی تولید را با مبانی سیاسی و ایدئولوژیک توضیح بدهد و دیگری مبانی را براساس اقتصاد و تولید ملی، بازار و بازرگانی و رقابت‌های قیمتی و فارغ از مناقشات سیاسی و با عنایت به تجارب جهانی و تکنولوژی روز، این مفاهیم دو جانبه باید انجام شود تا مگر سمت و سوی کلی تولید در میان دیدگاه‌های متفاوت با کمترین موانع و اصطکاک‌هایی از این دست طی طریق نماید.

منصور انصاری

# شرکت صنایع شیر ایران (پگاه) مجموعه‌ای دانش بنیاد و پیشرو در عرصه صنایع لبنی کشور

The grand company of "Pegah" with high knowledge collection, is a successful pioneer on dairy industries in Iran



تکمیلی در صنایع لبنی وجود داشته است. این خود به این معنی است که صنایع شیر ایران پگاه برای هر کدام از آنها هزینه‌های هنگفت تحقیق، مطالعه، مشاهده و بررسی را در جوف تولید انجام داده است بی آنکه برنامه‌ریزان اقتصادی و بازرگانی توجه نمایند که این دستاوردها که اینک به الگو و مدل تولید در سایر بخش‌های صنایع لبنی تبدیل شده‌اند می‌تواند در جمع‌بندی نهایی بر قیمت تمام شده محصولات اثر بگذارد. ارائه بیش از ۶۰۰ محصول متنوع در کمتر از ۱۵ سال یک دستاورد قابل تحسین ملی بوده و در تاریخ کشور ثبت خواهد شد.

به هر حال و به بهانه موفقیت صنایع شیر ایران به عنوان شرکت برتر در میان ۵۰۰ شرکت بزرگ در حوزه صنایع غذایی پس از هماهنگی با روابط عمومی و در کنار مهندس چمنی مشاور مدیر عامل، گفتگویی اختصاصی با مهندس مهدی علی پور مدیر عامل شرکت بازرگانی صنایع شیر ایران انجام دادیم تا عرصه‌های دیگری از دستاوردها و موفقیت این مجموعه را در قالب سندی مطبوعاتی انعکاس دهیم، در این گفتگوی اختصاصی دامنه بحث بسیار طولانی و حاوی اطلاعات قابل توجهی بود ولی به ناگزیر به بخشی از آن در این شماره بسنده کردیم که می‌خوانید:

صنایع شیر ایران از جمله محدود شرکت‌هایی است که از بدو تاسیس و شروع فعالیت با درجه بالایی از توانایی‌های تخصصی و در شرایط خاص تاریخی زبده‌ترین متخصصان را برای اداره امور خود اعم از ساختار اداری، مدیریتی، بازرگانی داخلی و خارجی و نهایتاً تولید، فرآوری و بهره‌گیری از فن‌آوری‌های مدرن به کار گرفته و جز تکانه‌هایی محدود در سال‌هایی از حیات پر برکت این موسسه معظم که به بخش تحقیق و توسعه آن لطماتی وارد ساخت همواره تحقیق و مطالعه را برای تعیین راهبردها در صدر فعالیت‌های خود قرار داده است به گونه‌ای که بسیاری از صاحب‌نظران از مجموعه صنایع شیر ایران موسوم به پگاه به عنوان یک شرکت تولیدی، بازرگانی دانش بنیاد یاد می‌کنند و البته بدیهی است که انتقال تکنولوژی فرآوری اعم از مراحل تولید پنیر UF، پیش‌تازی در توسعه و گسترش بسته‌بندی‌های شیر UHT و نهایتاً انواع بسته‌بندی و ترکیبات متنوع شیر با آب میوه و بسیاری دیگر از محصولات به سادگی و بدون دانش فنی حاصل نشده است.

حسن این مجموعه این است که کمتر متخصص کارشناس یا صاحب نظری می‌تواند بگوید که قبل از پگاه این پدیده‌های فرآوری و تبدیلی و

مهندس مهدی علی پور مدیر عامل شرکت بازرگانی صنایع شیر ایران در این گفتگوی اختصاصی با اشاره به افزایش توانایی‌های تولید داخل فشرده‌ای از آمار مقطع زمانی سال‌های پس از انقلاب ارائه داد و گفت: طی ۱۵ سال اول انقلاب، یعنی سالهای میان ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۲، کشور ما برای تأمین جمعیت آن زمان که کمتر از حالاً نیز بود یک میلیون تن پنیر سفید، ۵۴۷ هزار تن کره، ۳۵۰ هزار تن شیر خشک و حدود ۱۰ هزار تن خامه وارد کرد که این مقدار واردات با احتساب نرخ ارز به قیمت دولتی آن مقطع بالغ بر ۴/۵ میلیون دلار

می‌شد. وی خاطر نشان کرد: در سایه نوعی نگرش و عزم ملی در یک برنامه راهبردی مقرر شد که توان ملی تولید داخل با هدف صرفه جویی ارزی، انتقال دانش فنی، ارتقا سطح تخصصی، اشتغال و موارد دیگر مورد نیاز تقویت بنیه اقتصادی کشور ۵ خط تولید پنیر UF نصب، راه اندازی و بهره‌برداری برسد که جشن خودکفایی پنیر در سال ۱۳۷۹ را در پی داشت.

وی آنگاه به معرفی توانایی‌های موجود صنایع شیر ایران پرداخت و گفت: ۱۶ کارخانه کارخانه تولید شیر، شیر خشک و شیر خشک نوزاد، یک کارخانه صنایع بسته بندی فرآورده‌های شیری، ۲ شرکت سرمایه‌گذاری بورس، ۲ شرکت کشت و صنعت و دامپروری، ۸ شرکت بازرگانی، فروش و بازاریابی از جمله زیرمجموعه‌های صنایع شیر ایران می‌باشند. وی گفت: در سایه فعالیت تولیدی آنان علاوه بر فرآوری و توزیع ۳۰ درصد کل تولید شیر صنعتی کشور توانسته‌ایم ۵ هزار شغل مولد ایجاد کنیم و از توانایی‌های تخصصی بالغ بر ۱۴۰۰ متخصص و کارشناس نیز بهره‌مند شویم. وی گفت: صنایع شیر

ایران هم اکنون بالغ بر ۶۰۰ نوع محصول با کد خاص تولید می‌کند و با ۱۹۵۰ واحد دامداری صنعتی قرار داد تحویل شیر منعقد کرده است، همچنین به منظور حمایت از واحدهای کوچک دامداری با استفاده از ۱۱۴۵ مرکز و سکوی جمع‌آوری شیر، تولید شیر ۶۰ هزار دامدار را نیز در فرآیند پاستوریزه، هموژنیزه و تبدیل قرار داده‌ایم.

مهندس علیپور برای آشکار ساختن ارزش ارزآوری و صادرات صنایع شیر نموداری ارائه داد که طبق آن، ارزش ارزی صادرات فرآورده‌های لبنی کشور نسبت به کل ارزش صادرات محصولات کشاورزی که بالغ بر ۴ میلیارد و ۲۴۱ میلیون دلار می‌باشد ۱۵ درصد ورقمی در حدود ۶۳۶ میلیون دلار

می‌باشد، وی گفت: طی سه سال گذشته ارزش صادرات صنایع شیر ایران بیش از ۲۰۰ میلیون دلار بوده است که آشکار می‌سازد مدیران و سیاست‌گذاران صنایع شیر ایران طی ۱۳ سال گذشته راهبرد صادرات را به عنوان خط مقدم تولید داخل در چشم انداز برنامه‌های بازرگانی خود ملحوظ کرده‌اند و نشان از موفقیت این شرکت دارد.

وی افزود: وقتی بحث تحریم‌ها در میان است این رقم و این تلاش می‌تواند برجسته‌تر باشد.

وی آنگاه به کشورهای هدف در عرصه



صادرات اشاره کرد و گفت: ۲۷۰ کد محصول صنایع شیر ایران در سبد صادراتی قرار دارند که به ۲۴ کشور جهان از جمله عراق، افغانستان، پاکستان، ترکمنستان، عربستان، کویت، انگلستان، مالزی، بحرین، قطر، اتریش، کانادا، سوریه، لبنان، امارات متحده عربی، گرجستان، تاجیکستان، تایلند، ژاپن، اردن و مصر صادر می‌شوند.

مدیرعامل شرکت بازرگانی صنایع شیر ایران گفت: در سال ۱۳۹۲، ۴۱ درصد افزایش صادرات داشته‌ایم که به این واسطه رکورد ۱۴ ساله صادرات لبنیات شرکت شکسته شده است.

وی در این ارتباط افزود: «پگاه» صادرکننده نمونه و برتر کشور طی سال‌های ۱۳۸۱، ۱۳۸۶،

۱۳۸۷، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ بوده است و در حال حاضر تراز صادرات به نسبت واردات مثبت ۱۰۵ درصد است.

مهندس علیپور در فراز دیگری به عوامل رشد صادرات این شرکت اشاره کرد و آنها را در سه دسته‌ی ۱- برداشتن عوارض صادراتی ۲- حذف موانع صادراتی شیر خشک و ۳- تثبیت نرخ ارز برشمرد.

وی اضافه کرد که کره و شیر خشک از موارد مهم صادرات لبنیات در دنیاست و گروه محصولات صادراتی پگاه عبارتند از: شیر، خامه، ماست، پنیر، دوغ، بستنی، آب میوه و محصولات پودری.

مهندس علیپور در این مصاحبه اختصاصی به تولید بیش از ۶۰۰ محصول داخلی پگاه اشاره کرد و افزود که متأسفانه در طی اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها مصرف شیر کشور ۴۲ درصد کاهش یافت.

گفتنی است، صنایع شیر ایران پگاه، ارسال محصولات صادراتی خود به دو کشور عراق و افغانستان را، علیرغم تمامی دشواری‌ها و ناامنی این مناطق به جد دنبال می‌کند و توانسته است برند این شرکت را به عنوان یک برند منحصر به فرد در این کشورها تثبیت کند و از این طریق، علاوه بر فرهنگ‌سازی مصرف شیر و لبنیات به ویژه در افغانستان که اکنون قریب ۳۵ سال است درگیر جنگ و گرفتاری‌های داخلی است با تبلیغات موثر محیطی و تیزرهای تلویزیونی، اشتغال بومی نیز ایجاد کند که به نوبه خود بر افتخار ملی شرکت صنایع شیر ایران می‌افزاید.

مجله دامپروران، این تلاش خستگی‌ناپذیر که سوای انگیزه‌های بازرگانی به برآیندی در مسیر سلامت، بهداشت و اشتغال در منطقه تبدیل شده است را به مجموعه دست‌اندرکاران پگاه تبریک می‌گوید.

تهیه گزارش: فرانک مسعودی

# محققان دام و طیور سراسر دنیا از یافته‌های نوین علمی خود می‌گویند

## تحقیقات گروه ترکیه‌ای:

### فصل مناسب گوساله‌زایی و دوره شیردهی

مطالعه تحقیقاتی یک گروه ترکیه‌ای تحت عنوان بازدهی شیر گاوهای شیری بیانگر این مطلب است که عوامل محیطی سالن‌ها و مزارع تاثیر مستقیمی بر میزان شیردهی و کیفیت آن دارد. این تحقیق روی ۲۸۰ گاو قهوه‌ای سویسی در ۶۹۶ دوره شیردهی انجام شده است.

مدت دوره شیردهی، تعداد دفعات شیردهی و فصل گوساله‌زایی تواماً بر مقدار و کیفیت شیر تولیدی اثر گذارند. نتیجه این مطالعه نشان می‌دهد که فصل مناسب گوساله‌زایی زمستان و یک دوره شیردهی مطلوب در حدود ۳۰۷ روز است.

## نتیجه‌ای از گروه تحقیقاتی ژاپنی:

### رابطه میان آبستنی و میزان شیردهی دام‌ها

این تحقیق که به بررسی ارتباط میان میزان باروری میزان شیردهی دام در هر روز پرداخته است می‌گوید که این دو موضوع رابطه‌ای کاملاً معکوس باهم دارند به گونه‌ای که در هر مرحله از شیردوشی و همزمان با افزایش میزان شیر، میزان باروری کاهش می‌یابد.

## محققان پاکستانی:

### استفاده از نواله تخم پنبه در خوراک دام

یک گروه علمی پاکستانی می‌گوید: بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که چنانچه در جیره غذایی گاوهای شیرده، میزان بیشتری نواله تخم پنبه استفاده شود، بازدهی شیر، چربی شیر و جذب خوراک توسط دام افزایش خواهد یافت

که در نتیجه منجر به افزایش کیفی شیر تولیدی و افزایش راندمان عملکرد دام خواهد شد.

## محققان هلندی:

### خوراک کنستانتره و واکنش شکمبه گاو نسبت به آنها

این گروه هلندی، تاثیر فصل و استفاده از خوراک کنستانتره بر عملکرد شکمبه گاو (معه اول) و قدرت هضم دام را بررسی نموده است.

این مطالعه نشان می‌دهد «Rumen fermentation همان فرایند هضم میکروبی در شکمبه نشخوارکنندگان می‌باشد و هر چقدر میزان مواد متراکم یا کنستانتره در خوراک دام بیشتر باشد تولید اسید چرب افزایش یافته و در نتیجه رشد میکروبی بیشتری در شکمبه دام خصوصاً در تابستان و زمستان اتفاق خواهد افتاد.

در پایان این مطالعه نشان می‌دهد که میزان کنستانتره موجود در خوراک دام مهمترین عامل افزایش هضم میکروبی در شکمبه نشخوارکنندگان خصوصاً گاوهای شیری است.

### دانه‌های ماش برشته شده

یک کارگروه ترکیه‌ای با مطالعه بر اجزای مختلف خوراک طیور می‌گوید: استفاده از ماش (ماشک) برشته شده به میزان ۲۵ درصد در رژیم غذایی مرغ‌های تخمگذار نسبت به نوع خام یا اتوکلاو شده آن بازدهی بالاتری دارد.

### روغن کنجد و مرغ‌های تخمگذار

محققان، طی آزمایشات انجام شده بر مرغ‌های تخمگذار،

### کاربرد محرکه های رشد در مرغ های گوشتی

کارشناسان هندی با مقایسه دو نوع محرکه رشد طیور تحت نامهای: دایجستریوم ۱۳۱۷ (۱۵۰ ppm) و دایجستریوم ۱۴۴۰ (۸۰۰ ppm) به بررسی پیامدهای کاربرد آنها پرداختند.

آنها به این نتیجه رسیدند که محرکه های رشد طیور از یک سو قابلیت و مقاومت پرند را در برابر آنتی بیوتیک هایی نظیر دیسایسیلات متیلن باستیراسین را بالا برده و از سوی دیگر به دلیل منشأ گیاهی که دارند، اثرات مشهودی بر رشد و بازدهی و عملکرد پرندگان دارند.

### یک جایگزین خوب برای روغن ذرت

امروزه (DDGS) یا همان پس مانده خشک تقطیر غلاتی چون ذرت به عنوان یک جایگزین مناسب و مقرون به صرفه به جای روغن ذرت شناخته شده اند.

روغن ذرت خود یک منبع مهم تامین انرژی در صنعت مرغداری محسوب می شود. گروه تحقیقاتی آمریکایی اعتقاد دارد که روغن ذرت باعث افزایش عملکرد مثبت طیور زنده و افزایش وزن لاشه مرغ های ۴۹ روزه خواهد شد. از این روغن مفید و کارآمد می توان برای افزایش میزان رشد و انرژی در پلت ها استفاده نمود.

روغن ذرت حاصل از پس مانده های خشک تقطیر الکی یا همان (DDGS) این قابلیت را دارد که بدون هیچگونه عوارض جانبی در رژیم غذایی مرغ های گوشتی گنجانده شود. این امر یک اقدام چند جانبه و مقرون به صرفه است که از هزینه های تولید و پرورش طیور نیز می کاهد.

### مزایای نعنای مرغ های گوشتی

یک گروه تحقیقاتی سودانی از اثرات مفید نعنای مرغ های گوشتی خبر می دهد و نتیجه تحقیق خود را به طور خلاصه در جدول زیر ارائه نموده است:

درصد نعنای	۰	۱،۰	۱،۵	۲،۰
جذب مواد غذایی (گرم) درصد	۲۶۸۰	۲۶۷۹	۲۷،۹	۲۶۹۳
میزان توده بدنی (گرم)	۱۴۸۲	۱۵۱۳	۱۵۲۰	۱۵۲۰
ضریب تبدیل غذایی	۱،۹۲	۱،۹۴	۱،۹۲	۱،۹۹
درصد پوشش بدنی	۷۳،۱۲	۷۴،۱۷	۷۳،۰۸	۷۳،۴۷

روغن کنجد را با میزان ۲ درصد برای یک گروه و به میزان ۳ درصد برای گروه دیگری از مرغ های تخمگذار در رژیم غذایی آنها قرار دادند.

نتیجه به دست آمده نشان داد که وزن متوسط تخم مرغ ها و تراکم زرده ای در گروهی که روغن کنجد ۲ درصد مصرف کرده بود بالاتر رفته، اما رنگ زرده، میزان چربی، کیفیت و درشتی تخم مرغ ها و ضریب تبدیل غذایی در گروه روغن کنجد ۳ درصد به طور چشمگیری افزون تر بود.

همچنین استفاده از روغن کنجد در اندازه های مختلف (۱، ۲، ۳ درصد) باعث افزایش سطح بازدهی و عملکرد مرغ های تخمگذار، کیفیت تخم مرغ، شاخص های سرم خون و میزان چربی زرده تخم مرغ، وزن نهایی تخم ها، میزان جذب مواد غذایی در مرغ ها و ضریب تبدیل غذایی آنها نسبت به آن دسته از مرغ هایی است که این آزمایش بر خوراک آنها انجام نگرفته است. یادآور می شود این نتیجه تحقیقات یک گروه چینی بوده است.

### غنی سازی تخم مرغ ها با امگا-۳

اسیدهای چرب غیر اشباع امگا-۳ اثرات بسیار مطلوبی بر سلامت جسمی و فکری انسان دارند ولی میزان جذب آنها در رژیم غذایی معمول پایین است.

در این تحقیق ادعا می شود که اگر گیاهان سبزینه دار را به رژیم غذایی مرغ های تخمگذار بیافزاییم، میزان اسیدهای چرب غیر اشباع مفیدی چون امگا-۳ در زرده تخم مرغ ها به طور قابل ملاحظه ای افزایش یافته و این امر به نوبه خود بر میزان چربی، محتوای زرده، رنگ آن و در کل به بهره وری مرغ ها می افزاید.

### از تریپتوفان چه می دانیم؟

تریپتوفان، اسید آمینه ای ضروری و حیاتی برای سلامت و افزایش عملکرد حیوانات و طیور است. یک کار گروه تحقیقاتی برزیلی می گوید: «ما تریپتوفان قابل هضم را به میزان ۰/۲۲۵۵ بر مرغ های گوشتی ۲۲ تا ۴۲ روزه آزمایش کردیم و نتایج بسیار مطلوبی گرفتیم چنانچه ضریب تبدیل غذایی (FCR) و همچنین در حدود ۰/۱۹۱۹ درصد بازدهی لاشه مرغ افزایش یافت.

# نگاهی گذرا به «دامپروان»

## در سالی که گذشت

### چکیده‌ای از تحلیل‌ها و مهمترین مقالات

اطلاع دارند راتر جمه و در اختیار خوانندگان و سرمایه‌گذاران عمده کشاورزی و حتی برنامه‌ریزان دولتی قرار دهیم که بعضی از مضامین و مفاهیم این مطالب در عرصه کلان مورد استفاده، استناد و حتی تاثیر گذاری در جهت گیری‌های کلی گردید. بدیهی است ذکر عنوان این دسته موضوعات، نگاشته مختصر پیش‌رو را مطول خواهد کرد اما مطالعه چکیده‌ای از تحلیل‌ها و مهمترین مقالات و مراجعه به اخبار و اظهار نظر مسئولان و دست‌اندرکاران آشکار می‌سازد مجله دامپروان به رغم نامش - که ممکن است فقط پرداختن به زیربخش دام و طیور را در اذهان تداعی کند - به موضوع عام کشاورزی و اقتصاد و بازرگانی آن پرداخته است و می‌تواند آرشویی قابل استناد برای تمام کسانی باشد که قصد ورود به بحث‌های کلی کشاورزی و سرمایه‌گذاری در این عرصه را دارند. امیدواریم مورد استفاده همگان قرار گیرد. انشا...!

دبیر گزارش  
فرانک مسعودی

سال ۹۲ نیز با تمام افت و خیزهایش به پایان رسید و بهاری دیگر از راه آمد که امیدواریم بهاری خجسته باشد. از قدیم گفته‌اند «سالی که نکوست از بهارش پیداست». این مثال که ریشه در فرهنگ کشاورزی دارد رانه از بعد کنایه آمیز آن، بلکه از صمیم قلب آورده‌یم شاید دعای خیرش مستجاب و وضعیت کشاورزی در سال پیش رو با نشیب کمتر و فراز بیشتر یعنی آنچه که با این همه توان و ظرفیت بالقوه استحقاقش را دارد رو بر و گردد و بعد از این باید گفت به جز مسائل خبری که دوام و قوام آنها در صحنه کشاورزی کشور زود گذر است هیچ مسئله عمده و اساسی در عرصه کشاورزی کشور طی سال گذشته رخ نداده است که اعضای هیات تحریریه مجله دامپروان به نوعی به آن نپرداخته باشند. به عبارت دیگر تقریباً تمامی موضوعات عمده و کلان کشاورزی کشور در حوزه سیاست گذاری، برنامه‌ریزی اقتصاد کشاورزی و خلاصه تمامی پیشرفت‌ها و پس‌رفت‌های تاثیر گذار و تحول‌ساز را به صورت تجزیه و تحلیل شده توأم با ارزیابی و پیش‌بینی می‌توانید در لابه‌لای مقالات مجله دامپروان جستجو کنید. فراتر از آن ما سعی کردیم سیمایی از کشاورزی جهان از منظر نهادهای مسئول بین‌المللی همچون فائو و مجامع مشابه که از فرآیند کلی تحولات اقتصاد و بازرگانی کشاورزی دنیا و نیاز روزافزون به مواد غذایی در مناطق پرجمعیت



سرمقاله

**رئیس جمهوری آینده چه کسی خواهد بود و چه کاری باید برای کشاورزی کشور انجام دهد**  
 منصور انصاری نویسنده سرمقاله حاضر، در مقطع حساس پیش از برگزاری انتخابات دور یازدهم ریاست جمهوری به گونه‌ای جامع و همه‌جانبه‌نگر در مقاله‌ای مطول دغدغه‌های انتخاب رئیس جمهور آینده را بر شمرده و نزدیک به انتهای مطلب آورده است:

بحث کشاورزی، در قالب ارائه پیشنهاد به قوه مجریه، آن هم از سوی طرز تفکری که قصد حل بحران را دارد الزاماً باید بیرون از ساختار کشاورزی باشد، یعنی «تعیین جایگاه اقتصاد کشاورزی در اقتصاد کلان و سیاست‌های راهبردی متناسب با نقشی که در تولید ثروت ملی دارد، به عبارتی، اگر کشاورزی در مجموعه شاخص‌های تعریف شده اقتصادی، ۱۷ درصد کل اقتصاد کلان کشور را شامل می‌شود الزاماً باید ۱۷ درصد منابع، بودجه، اعتبارات، تسهیلات بانکی و به طور کلی سرمایه ملی را جذب کند، مگر آنکه بپذیریم در مقاطع بحث‌های حادی چون تحریم و غیر آن، در کنار جولان خودروهای چند صد میلیونی پورشه و بنز در خیابان‌های شهر، اغلب مردم می‌توانند اشکنه بخورند و همچنان سنگرهای مقابله را حفظ کنند!

یک رئیس جمهور که قصد ایجاد توسعه پایدار و تقویت اقتدار ملی و حل بحران را دارد با جرات می‌گوید مثلاً ۱۰، ۱۱، ۱۷، ... درصد کل سرمایه ملی به بخش کشاورزی اختصاص می‌یابد زیرا جایگاه واقعی‌اش در تولید ملی همین است.

اگر این اعداد مبتنی بر واقعیت کشاورزی باشد تمامی مسائل درونی بخش کشاورزی اعم از بهره‌وری، آموزش، مکانیزاسیون، صنایع تبدیلی و تکمیلی و صدها مورد دیگر از غفلت‌های تاریخی این مملکت نسبت به حوزه کشاورزی حل خواهد شد، حتی طرز تفکری که با صراحت و بدون تعارف اعلام می‌کند عصر کشاورزی در جغرافیای سیاسی ایران که سرزمینی خشک و نیمه خشک است به پایان رسیده و باید بخش‌های دیگر اقتصاد را تقویت کنیم و تمامی نیازهای خود به غلات و مواد غذایی را، خواه از پول نفت و یاد دیگر درآمدهای ارزش افزوده وارد کنیم، شجاعانه و قابل تحسین است، در چنین شرایطی، آن دسته از کشاورزان که قادرند در ابعاد جهانی رقابت کنند می‌مانند و بقیه، اعم از نیمه صنعتی، سنتی و یا در حاشیه روستاها یعنی تولیدکنندگان معیشتی می‌توانند تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی که وابسته به نهاد ریاست جمهوری باشد قرار گرفته و زندگی خود را اداره کنند که البته در این صورت تکلیف بر همگان مشخص می‌شود و با خیال راحت می‌گوییم خلاص، تلاش و تقلا بی‌هوده تمام، در مورد کشاورزی به مرحله تعیین‌کننده‌ی بودن یا نبودن رسیده‌ایم!



مقاله تحلیلی

**حل مشکلات بخش کشاورزی در درون خود بخش، موجب سرگردانی در برنامه‌ریزی می‌شود**  
 در این مقاله که پیرو بحث واگذاری بخشی از وظایف ذاتاً کشاورزی وزارت صنعت، معدن، تجارت به وزارت جهاد کشاورزی نگاشته شده، نویسنده آورده است:

بالغ بر نیم قرن است برنامه‌ریزان، مجریان و تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان در سطح کلان کشور، حتی در حوزه برنامه‌ریزی‌های پنج‌ساله تلاش دارند که مسائل اصلی بخش کشاورزی را در درون بخش و با تنظیم



حلقه‌های متعدد فرایند تولید از تحقیق تا مصرف حل کنند یا در واقع راهکاری برای آن بیابند، این شیوه راهبردی گرچه لازم اما ناکافی، غیر کارآمد و در نهایت در حوزه اجرا با تناقض مواجه بوده است. ماهیت این تصمیم‌گیری‌ها برای حل تناقضات و دست‌یابی به یک رهیافت و راهکار مناسب، منبعث از همان بحث تاریخی است که ابتدا باید متناسب با تعهداتی که بر عهده این بخش گذاشته‌ایم، یا آنچه که در حوزه تامین سرمایه ملی ایفای نقش می‌کند سمت و سوی اقتصاد کلان، بودجه، اعتبارات، تسهیلات و مجموعه مواردی که موجب تقویت سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی می‌شود را به صورت قوانین کلی مصوب نماییم. به زبان ساده - که این جریده بارها طی ۱۳ سال گذشته گفته و نوشته است - نمی‌توان در حالی که معدل بخش کشاورزی در اقتصاد کلان میان ۱۴ تا ۱۸ درصد است و در شاخص‌های مختلف اقتصادی چنین تعهدی را بر عهده دارد و به این میزان ایفای نقش می‌کند ۳ تا ۴ درصد از کل اعتبارات، بودجه، تسهیلات و... را دریافت دارد که حتی کفاف استهلاك سرمایه‌گذاری در بخش رانیز نمی‌دهد! این عمد و غفلت تاریخی منشا تمامی تناقضات درونی بخش کشاورزی است که به صورت جابجایی‌ها و از این دست به آن دست کردن مسئولیت‌ها بروز و ظهور می‌یابد. وقتی تناقضات ساختاری در فرآیند کشاورزی کشور وجود دارد و سهم لازم را هم نمی‌گیرد مشکلات و نارسایی‌ها به صورت سرمایه‌گذاری خودنمایی می‌کنند و کشاورزان، مرغداران، دامداران، باغداران و تمامی فعالان هر کدام به ترتیب در زمان‌های مختلف در گردش‌های دوره‌ای آسیب می‌بینند و نگرانی مداوم دامن‌گیر آنان خواهد بود.

در کل، اگر بودجه و اعتبارات لازم برای انجام این وظایف تعیین گردد و در قانون بودجه به صراحت مورد تاکید قرار گیرد نعمت است و می‌تواند دستاوردی برای کشاورزی کشور باشد زیرا، همچنان که مورد نظر بسیاری از صاحب‌نظران و اقتصاددانان بوده است، تمامی حلقه‌های تولید، تبدیل، تکمیل، مصرف و نهایتاً بازرگانی و اقتصاد بخش را در یک چرخه تمرکز تصمیم‌گیری قرار می‌دهد، زمینه تصمیم‌گیری را سهل‌تر می‌کند، عرصه پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری را شفاف می‌سازد، داستان «کی بود کی بود من نبودم» را تا حد قابل توجهی کاهش می‌دهد، دست مجلس را برای پرسش و مواخذه و نهایتاً استیضاح باز می‌گذارد و در عین حال، مردم می‌دانند در صورت کمبود، نبود، گرانی، ارزانی، ضایعات، تلفات، حیف و میل و... گریبان چه کسی را بگیرند و سر سفره، دعا در حق چه نهاد یا وزارتخانه‌ای بکنند!



شماره ۱۳۶ - اردیبهشت ۱۳۹۲

سرمقاله

### آب سفره‌های زیرزمینی را نابود کردیم، از خود کفایی هم فاصله گرفتیم

این مقاله که در یکی دو ماه پایانی دولت دهم و در آستانه انتخابات دولت یازدهم نوشته شده، هشدار گونه‌ای است به وزیر جدید جهاد کشاورزی (که طبعاً آن هنگام روی کار نیامده بود) تا نکات پندآموز و گاه تلخ و دردآلود کشاورزی کشور در دو دولت نهم و دهم را درک کرده و شاید به کار گیرد. بخوانید:

به هر حال، آنچه که در صحنه عمومی کشاورزی کشور به وجود آمده است می‌تواند ناشی از نوع نگرش و دیدگاه اقتصادی نسبت به مفهوم خودکفایی باشد. تبدیل این مفهوم کیفی که عرصه‌ای از اقتدار و توانمندی کشور است و بزرگان سرزمین بر آن تاکید دارند، به یک کمیت آماری در حوزه رقابت‌های سیاسی آسیب‌آفرین است ولی در همین حوزه خودکفایی کمی نیز، به استناد آمار و ارقام،



حداقل دو وزیر پیشین دولت نهم و دهم هرگز نمی‌توانند در انظار افکار عمومی عملکرد خود را موجه جلوه دهند و خود را سرداران خودکفایی حتی به همین سبک و سیاق معرفی کنند.

اینک در آستانه پایان ۸ سال دولت نهم و دهم هستیم، دولتی که قرار است سرکاری‌باید درس بگیرد و شعاری بی‌محتوا و عوام‌فریبانه سر ندهد، این امر در شرایطی ست که کشور با فاجعه جبران‌ناپذیر کاهش ویران‌کننده سفره‌های آب زیرزمینی نیز مواجه شده است، بیلان سفره‌های آب که قرار بود طبق برنامه چهارم از منفی ۵/۴ میلیارد متر مکعب به منفی ۴ میلیارد متر مکعب ارتقا یابد به رقم دهشتناک منفی ۱۰/۳ میلیارد متر مکعب تنزل یافته است! درد بزرگ کشاورزی مملکت همین نابودی منابع پایه است که طبق نظر کارشناسان بلند پایه دیری نمی‌گذرد که با ویرانی تمدن در فلات مرکزی ایران مواجه خواهیم شد و تازه با هنرمندی مضحکانه‌ای به جایگاه ممتاز واردات نیز دست یافته ایم یعنی حیاتی‌ترین منابع پایه را نابود کرده ایم و به جای آن وارد کننده هم شده ایم.



شماره ۱۳۷ - خرداد ۱۳۹۲

سرمقاله

رئیس‌جمهور جدید و تولید

رهیافتی به سیاست‌های دولت یازدهم در حوزه تولیدات کشاورزی

در این سرمقاله به قلم منصور انصاری ناظر بر سیاست‌های آغازین دولت تدبیر و امید در حوزه کشاورزی آمده است:

دکتر روحانی و تیم اقتصادی همیاروی طی سالیان متمادی تحقیق و مطالعه در مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام به خوبی دریافته‌اند که اقتصاد دستوری، اقتصاد فارغ از سمت‌گیری‌های سیاسی و نهایتاً اقتصادی که بتوان تمام و کمال آن را کنترل کرد در محدوده یک کشور یا جغرافیای سیاسی اساساً شکل نمی‌پذیرد و دوام و قوام نمی‌یابد «اقتصاد معتدل»، «نیمه متعادل» و «تابع» جزء آرمان‌های دولتمردان از دیرباز بوده و هست، اقتصاد وقتی در یک چارچوب کلی و سیاسی مستقر شود دستور می‌دهد و مهم‌پذیر نیست، اصل بر تعیین سمت و سوی اقتصاد سیاسی است که عدالت و توسعه متوازن نه در ماهیت، بلکه توسط اداره‌کنندگان جامعه بر آن عَرَض می‌شود و البته امکان‌پذیر است، سازمان‌های تأمین اجتماعی کارآمد، آموزش و پرورش، بهداشت و سلامت، کارت‌های خرید کالا و صدها مورد دیگر که دولت‌ها در عرض اقتصاد می‌گذارند برای توسعه عدالت است که الزاماً در درون اقتصاد نیستند بلکه در جوف اقتصاد کلان عملکرد موثر خود را برای گسترش عدالت بروز و ظهور می‌دهند. در نهایت و به رغم هرگونه اعتدال - که البته برای شرایط کنونی کشور حیاتی و اجتناب‌ناپذیر است و مردم نیز گفتند و رای دادند - آیا حمایت از تولید به ویژه تولیدات کشاورزی، از منظر دکتر روحانی، در چارچوب یک اقتصاد درون‌گرای بسته دولتی یا نیمه بسته با کنترل و نظارت دولت خواهد بود یا اقتصادی با رعایت بازار آزاد و «مناسبات بین‌المللی از بن بست» درآمده؟

آیا رئیس‌جمهور دولت یازدهم، در عرصه یک اقتصاد آزاد مبتنی بر عرضه و تقاضا با کنترل و نظارت دولت وارد کارزار می‌شود یا با ایجاد تعادل و از طریق گسترش حمایت‌های اجتماعی در قالب کارت‌های خرید برای دهک‌های مختلف اجتماعی و امثالهم؟ اینها همه پرسش‌هایی در حوزه حمایت از تولید در برابر ایشان است.



مقاله تحلیلی

وزیر جهاد کشاورزی دولت یازدهم چگونه وزیری باید باشد؟

این مقاله نشانگر تمامی تلاش خستگی ناپذیر و هم و غم دائمی نویسنده در توجیه و انتخاب وزیری کارآمد، کار آشنا، مدبر و امیدوار برای کشاورزی کشور است. وی در مطلع این مقاله می گوید:

بالاخره پس از هشت سال بحث و مناقشه و جدل و گفتگو، همگان دریافتیم که رئیس جمهوری الزاماً نباید و نمی تواند جامع تمامی علوم و خود به تنهایی درباره همه موضوعات عمده و جزئی یک سرزمین پهناور و قدرتمند با سلاقی و قومیت های گوناگون و نحله های فکری و مذاهب متفاوت و تاریخ پرفراز و نشیب صاحب نظر باشد و به جای تمامی وزرا، کارشناسان، متخصصان، مدیران استانی و قس علیهذا تصمیم بگیرد و با ضرورت و بدون ضرورت در مورد تمامی بخش های صنعت و کشاورزی، خدمات و حمل و نقل و حتی سیاست اظهار نظر کند.

**وی در ادامه می افزاید:** «تجربه کردیم و دیدیم این نوع نگاه حتی با جملاتی فریبنده و عوام فریبانه نیز کارساز نبود»

**وی می گوید:** حال در آستانه دولت یازدهم هستیم، باریک بینی جمهوری اعتدال گرا که می گوید فرا جناحی است و حتی لفظ ائتلافی را برای دولت خود نمی پسندد یعنی نه احزاب و جناح های سیاسی، بلکه افراد و اشخاص با هر نوع فکر و سلیقه را برای کابینه خود مورد نظر دارد.

مجله دامپروان که موضوع انتخابات یازدهمین ریاست جمهوری کشور را از سال گذشته و البته در عرصه سیاست، اقتصاد و بازرگانی مسائل کشاورزی دنبال کرده است، بر این باور است که اولاً، وزیر کشاورزی فراتر از تخصص در عرصه کشاورزی باید محیط بر اقتصاد و بازرگانی این بخش مهم از اقتصاد کلان کشور باشد و یا بپذیرد که در کنارش به جای افراد سیاسی، صاحب نظران اقتصاد و بازرگانی حضور داشته باشند، ثانیاً وزیر جهاد کشاورزی دولت پیش رو باید بر تشکل های سراسری و کشاورزان پیشرو اتکا داشته باشد، تجربه حضور در میان تشکل ها و نشست و برخاست با آنان نوعی درک ملموس از مسائل و مشکلات درونی حلقه های متعدد کشاورزی ایجاد می کند که اگر نباشد ممکن است تصمیمات تبعیض آمیز به نفع و ضرر زیربخش های مختلف گرفته شود.

ثالثاً در جهان کنونی ضرورت اجتناب ناپذیر ایجاد تعادل منطقی میان تولید داخل و واردات مواد اولیه و محصول فرآوری شده خارجی، چه برای رقابت تولید داخل و چه مقابله با گرسنگی سلولی و تامین امنیت غذایی جمعیت ۷۵ میلیونی کشور را درک کند، ویژگی چهارم، دانش و تجربه لازم برای ایجاد تعادل میان حمایت از مصرف کنندگان (با آرای بیشتر) و تولید کنندگان با آرای قلیل است که می تواند هر سیاست مداری را وسوسه کند، در این صورت ارزش افزوده بخش کشاورزی افزون و انگیزه های تولید بیشتر در میان سرمایه گذاران بخش ارتقاء پیدا می کند و پنجم، وزیری شجاع و با استقلال رای که بتواند در تصمیم گیری هایش منافع ملی را به منافع بخش خود ترجیح دهد، به مراتب برای کشاورزی کشور مفیدتر خواهد بود، ششم، وزیر جهاد کشاورزی آینده باید کشاورزی اقتصادی را تعریف و از کشاورزی معیشتی تفکیک کند و برای هر یک جداگانه و به نسبت جایگاهی که در نظام توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی دارند برنامه ای قابل اجرا، حمایتی و جهت دار ارائه دهد. نکته های بسیار دیگری در مورد وزیر آینده جهاد کشاورزی می توان گفت ولی نهایت اینکه کشاورزی کشور نیاز به وزیری سیاستمدار و غیر سیاسی دارد.





**آیا کلیددار می تواند غول نقدینگی را مهار کند**

این مقاله گزارشی از نشست ماهیانه هیات تحریریه مجله دامپروان پس از برگزاری انتخابات دولت یازدهم است که به موضوع تورم لگام گسیخته مقطع مورد بحث، بازار هدف و راهکارهای برون رفت کوتاه مدت می پردازد. بخوانید:

به هر حال، غول نقدینگی بی نام و نشان، بدون هویت و حریم و طماع که بسیاری وزنش را بالغ بر ۵۰۰ هزار میلیارد تومان ارزیابی می کنند و یلان و سرگردان عرصه وسیع شهرها و نقاط مختلف کشور را زیر پایهای سنگین خود در می نوردد و هنوز سایه سهمگینش را از سر بازار ارز و طلا که خود نقطه امنیت و اطمینانی برای حفظ ارزش دارایی اقشار متوسط است، کم نکرده است و بدیهی است تا وقتی که این ۵۰۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی رها شده مهار نشود نمی توان نسبت به تعادل و ثبات بازار مسکوکات و ارزهای خارجی و ثوق یافت.

این غول فقط وقتی افسار می شود که ابتدا بعضی گره های بنیادی در حوزه تعاملات جهانی و مناسبات بین المللی باز شود و اعتماد عمومی نسبت به رونق اقتصادی و سرمایه گذاری داخلی و خارجی در حوزه تولید گسترش یابد، اما در کوتاه مدت و برای تمرین و ممارست می توان با تدبیر و ارائه برنامه ای شجاعانه نقدینگی را به عرصه وسیع زمین های کشاورزی، باغبانی، دامداری های کوچک و بزرگ مرغداری های پراکنده در سراسر کشور و صنایع بزرگ و کوچک از طریق تشکل های موجود هر کدام با تضمین های بانک مرکزی هدایت کرد. در این صورت برکت به سفره های مردم و رونق به اقتصاد تولید روی خواهد آورد و رویارویی با جبهه های گسترده تر بیرونی، البته گرانمایه تر.



**ساختمان شیشه ای هویت کشاورزی کشور است، آن را بازستانید**

این یادداشت در اولین روزهای «هوای تازه»، به قلم فرانک مسعودی نگاشته شده و هنوز هم پس از گذشت یک سال در خواستی شایسته است. بخوانید:

اینکه ساختمان شیشه ای وزارت جهاد کشاورزی در چه زمانی و با چه هدفی ساخته شد و چه مراحل را پشت سر گذاشت که طی نزدیک به ۴۰ سال با همه ماجراهای تلخ و شیرینش به سمبل، هویت و تجسم کشاورزی کشور در دو دهه بعد از انقلاب تبدیل شد، و به چه دلیل احتمالاً منطقی و کدام نوع نگرش و با چه قیمتی و به دستور کدام مقام دولتی و در حوزه اختیارات چه ارگانی از وزارت جهاد کشاورزی گرفته شد، موضوع پرسشی است که درستی یا نادرستی اتخاذ تصمیم آن بعدها نزد افکار عمومی به داوری می نشیند ولی آنچه اکنون در آستانه تشکیل دولت یازدهم قابل توجه است بازگرداندن این سمبل کشاورزی به کشاورزان کشور و به نوعی دلجویی از آنهاست زیرا بازگرداندن ساختمان شیشه ای، انسجام و تمرکز در حوزه مسائل اداری و نهایتاً سیاست گذاری در کشاورز کشور را به ارمغان می آورد و کشاورزان را از پراکندگی در سطح شهر نجات می دهد.

این موضوع برای مدیران مزارع و کشت و صنعت ها، کشاورزان، مرغداران، دامداران به ویژه مدیران تشکل ها از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است زیرا ساختار کشاورزی و مسائل بوروکراسی مربوط به آن زنجیره وار



به هم پیوسته و برای پیگیری یک موضوع الزاماً مراجعه به چندین بخش لازم است.



شماره ۱۳۸۵ - تیر ۱۳۹۲

سرمقاله

### جای دیپلماسی کشاورزی در دیپلماسی عمومی کشور خالی است

سرمقاله به نگارش منصور انصاری می‌گوید:

بسیاری بودند و هستند که گمان کرده و می‌کنند تولید محصولات کشاورزی و فرآورده‌های دام و طیور به صورت طبیعی و خود به خودی انجام می‌شود، بارانی کم و بیش می‌بارد و چاه و قناتی هست تا مزارع جو و گندم و صیفی و سبزی را با آن سیراب کنیم، جنگل‌ها و مراتعی داریم و چراگاه‌هایی که گوسفندان از آنها تغذیه می‌کنند، گوشت مرغ و تخم در روستاها و حاشیه شهرها تولید می‌شود، شیر گاو و گوسفندان را دستی می‌دوشیم و ماست و کره‌ای حاصل می‌گردد، اگر باشد مرغی را کنار جوی آب سر می‌بریم، با دست پرش را می‌کنیم و امعاء و احشاء آن را پای درخت چال می‌کنیم و گندمی را با داس درو می‌کنیم، بر سر «تابه» یا «تنور» نانی می‌شود که می‌خوریم... بنابراین کشاورزی و تولیدات دامی موضوع دشواری نیست که برنامه‌های آنچنانی بطلد.

این طرز فکر، تا سال‌های نه چندان دور که هنوز مسائل کشور اینقدر پیچیده نبود، حتی در میان بعضی دست‌اندرکاران نیز وجود داشت و ناخودآگاه منشأ اثر بود که در ادامه، هر چند هم روند با سرعت تحولات به گونه‌ای برق آسارنگ باخت ولی در ابعاد کلان‌تر هنوز و بعضاً با قوت در گفتار و به ویژه در ذهن و فکر تصمیم‌گیرندگان بروز و ظهور می‌یابد چنانچه کشاورزی را همان کشاورزی سنتی می‌بینند که حالا در حجم انبوه‌تر و در قالب صنعتی تولید می‌کند، و اگر بالحاظ این همه تغییرات اجتناب‌ناپذیر پرسیده شود دیپلماسی کشاورزی کشور در تعاملات جهانی چیست، با استهزا و پوزخند پاسخ می‌دهند: «دیپلماسی کشاورزی دیگر چه صیغه‌ای است؟ دیپلماسی فقط خاص وزارت خارجه است و بس، چه ربطی به کشاورزی دارد؟»

در حالی که، چنانچه بارها نیز در همین جریده دامپروان گفته و نوشته‌ایم تحریم غذا، دارو و مجموعه فرآیندهایی که منجر به «غذا» می‌شود در منظر افکار عمومی جهانی محکوم و مطرود است. موضوع برای طرف مقابل هم به این سادگی‌ها نیست، هیچ قدرت سیاسی، دست کم آشکارا نمی‌تواند چنین سیاستی اتخاذ کند که در آغاز مخاصمه، مردم سرزمینی را در گرسنگی و کمبود دارو قرار دهد!

اگر چنین دیپلماسی در کشور مافعال شود می‌توان تمامی موانع بانکی و مواردی که موجب کندی در واردات تراکتور کنجاله سویا، ذرت دانه‌ای، گندم، غلات، مواد اولیه داروهای دامپزشکی، و داروهای انسانی و دهها و بلکه صدها قلم دیگر می‌شود را از میان برداشت، این فرآیند یکی از مصادیق تعیین جایگاه دیپلماسی کشاورزی در دیپلماسی عمومی کشور و به تبع آن در صحنه جهانی است که می‌تواند با مقبولیت افکار عمومی دنیا مواجه گردد ولی تاکنون از منظر سیاستمداران و تصمیم‌گیرندگان عمومی کشور مغفول مانده و امید است در دولت جدید مدنظر و مذاقه کارشناسی قرار گیرد.

اقدام دیگر در خلق جایگاه دیپلماسی کشاورزی در دیپلماسی عمومی، ایجاد شبکه‌ای از وابسته‌های کشاورزی در سفارتخانه‌های تمامی کشورها برای گشودن دریچه‌های مناسبات و روابط، صادرات و بازرگانی مواد اولیه مورد نیاز تولید در زیربخش‌های مختلف کشاورزی از کنجاله سویا و ذرت و غلات و مواد غذایی فرآوری شده گرفته تا انتقال دانش و تکنولوژی در این حوزه است که از یک سو میدان را برای رانت جویان و رانت خوارانی که با واردات از دریچه‌های محدود انحصاری علاوه بر اینکه به سرمایه‌های افسانه‌ای رسیده‌اند، قیمت تمام شده کالاها را به زیان



مردم و از جیب آنان نیز افزایش داده‌اند، تنگ خواهد کرد و از سوی دیگر عرصه‌های ناشناخته و گسترده‌ای را به روی تولیدات کشاورزی داخل خواهد گشود.



شماره ۱۳۸ - تیر ۱۳۹۲

گزارش

### هدیه به یادماندنی دولت دهم در هفته‌های پایانی به مرغداران!!

از آنجا که مجله دامپروان هیچ موضوع مربوط به عرصه تولید کشاورزی را رها نکرده و تمامی دغدغه‌های تولیدکنندگان را تار سیدن به یک نتیجه نهایی و برآمدی مناسب دنبال می‌کند، این گزارش را در مقطعی چاپ و منتشر کرده است که در پی تصمیم دولت دهم ناظر بر ترخیص خوراک طیور وارداتی بانرخ ارز مبادله‌ای به جای ارز مرجع، محموله‌های کشتی حاوی خوراک طیور در آبهای کشور سرگردان، طیور موجود گرسنه، هزینه‌های کشتی‌ها کمر شکن، مرغداران پر از نگرانی و دلهره و مصرف‌کنندگان نیز متحمل گرانی قیمت گوشت مرغ بودند. مجله دامپروان در این گزارش آورده است:

شاید بتوان گفت بهترین هدیه‌ای که دولت دهم و بانک مرکزی به دولت یازدهم و مردم از جمله تولیدکنندگان گوشت مرغ و تخم مرغ در هفته‌های پایانی کارش داد، اتخاذ تصمیمی شتاب‌زده و غیر کارشناسی در مورد اعلام تغییر نرخ ارز مرجع به نرخ مبادله‌ای، آن هم برای دارو و کالاهای اساسی، نهاده‌های دام و طیور و اقلامی که هرگونه تغییر در نرخ آنها بلافاصله بر زندگی مردم به ویژه اقشار دهک‌های پایین آسیب جدی وارد می‌کند، بود. بحث بر سر نرخ من درآوری «مرجع» یا نرخ «مبادله‌ای» در میان نیست، بحث تفسیر درست و به هنگام بانک مرکزی از مصوبه مجلس در مورد واردات تمامی کالاهای اساسی بانرخ ارز مبادله‌ای نیز نیست، حتی بحث این نیست که قیمت نهاده‌ها و گوشت مرغ چقدر می‌شود و مردم چقدر از دولتی که با شعار امید به میدان آمده است ناامید می‌شوند، بحث ایجاد درهم ریختگی و آشفتگی در بازار است، بحث اهدای یادگاری دولت دهم و بلا تکلیفی و دوگانگی در عرصه تولید و عرضه است، بحث بر سر مخمصه‌ای است که با این تصمیم در عرصه ترخیص کالاهایی که در بنادر گیر کرده‌اند، به وجود آمده است به گونه‌ای که دکتر مهربانی دبیر انجمن صنفی تولیدکنندگان جوجه یک روزه در مصاحبه مطبوعاتی و در کنار سایر مدیران تشکل‌های سراسری گوشت مرغ و تخم مرغ می‌گوید: دولت با هر ارزی که می‌خواهد، خوراک طیور وارداتی مانده در دریا یا بنادر را ترخیص کند زیرا ذخیره خوراک طیور رو به اتمام است و قیمت داخل بیش از ۴۰ درصد افزایش یافته است.

**وی می‌گوید:** محموله‌های کشتی حاوی ۷۰۰ هزار تن ذرت و ۵۰۰ هزار تن سویا میان ۱۰ تا ۶۵ روز است که در آبهای ایران سرگردان هستند.

یک مرغدار در تماس با مجله دامپروان به کنایه و از روی عصبانیت گفت: چرا سویای گران قیمت را به مرغ بدهم بخورد که گوشتش را رزن بفروشم، سویا را در انبار نگه می‌دارم، بدون هیچ استرس و نگرانی تولید، بعد با دو برابر قیمت و با سود صد درصد می‌فروشم...

وضع اینگونه است که مشاهده می‌شود، تصمیمی که اتخاذ شده یک تصمیم اقتصادی معمول نیست، شاید در شرایطی با تعیین ضرب الاجل، لازم و مفید باشد ولی در حال حاضر ضد تولید و نگران کننده است.

**در ادامه آمده است:**

حال که لامحاله این دست شکسته بر گردن دولت یازدهم افتاده است راهکار چیست؟ باید گفت:

۱- افزایش نقدینگی بانک‌های عامل از جمله بانک کشاورزی برای سهولت در پرداخت وام برای افزایش نقدینگی



- ۲- ترخیص فوری و بلاواسطه محموله‌ها از بندر و توزیع میان مرغداران با هر نرخ ارزی و قبول مسئولیت پرداخت ما به التفاوت توسط دولت از صندوق ذخیره ارزی.
  - ۳- دستور سریع به شرکت پشتیبانی امور دام برای گشودن انبارهای خود.
  - ۴- افزایش میزان خرید گوشت مرغ و تخم مرغ توسط دولت برای تنظیم بازار و توزیع مجدد آن از ماه‌های آینده.
- گفتنی است که موضوع فوق الذکر، نهایتاً با اختصاص ۲/۵ میلیارد دلار برای تثبیت قیمت کالاهای ضروری و از جمله ترخیص کنجاله سویا و ذرت دانه‌ای به طرق مختلف پیگیری و تاحدی به نتیجه رسید.



شماره ۱۳۸ - تیر ۱۳۹۲

مقاله

**دولتی که «پاسخگو» نبود و دولتی که باید «پاسخگو» باشد**

در این مقاله نویسنده آورده است:

این پرسش همواره و از دیرباز مطرح بوده است که آیا دولت مقتدر، دولتی است پاسخگو به مردم و افکار عمومی یا دولتی که با اتکا و باور به درستی آنچه انجام می‌دهد خود را پاسخگو به مردم یا به طور کلی نهادهایی چون مطبوعات، رسانه‌ها، انجمن‌ها، تشکل‌های صنفی، نهادهای ناظر و نهایتاً مجلس که نمایندگی مردم را بر عهده دارند، نمی‌بیند؟ آیا صرف اینکه دولتی می‌گوید و گمان می‌کند تمامی هم و غم شبانه روزی خود را برای خدمت به مردم مصروف می‌دارد لذا پاسخگویی امری زائد و غیر ضروری و در حاشیه دولت قرار داد درست است یا دولتی که ضمن اعلام برنامه در کل و جزء و به رغم تلاش برای تحقق آن برنامه بازم خود را ملزم به پاسخگویی می‌داند؟! به عبارتی دیگر آیا پاسخگویی جزء ماهیت و ذات دولت هاست و یا در حاشیه و جنب آن؟ باید گفت تقریباً تمامی نظریه پردازان حوزه سیاست و قدرت سیاسی و مولفه‌های آن در جامعه جهانی و ملی بر این اعتقادند که پاسخگویی یکی از شاخص‌های اصلی و ذاتی برای تحکیم اقتدار و دوام و قوام دولت‌ها به شمار می‌رود، پاسخگویی در واقع کیفیت رابطه میان دولت و ملت را تعریف می‌کند. دولت دهم، عدم پاسخگویی را از مطبوعات و مردم شروع کرد و بالطبع در ادامه، به نهاد مجلس، ارگان‌های ناظر، تشخیص مصلحت نظام و به تدریج تا فراتر از این نهاد نیز تسری داد.

به واقع شرایط برای دولت دهم به گونه‌ای رقم خورد که این دولت، تمامی ابزارها و نهادهای حکمرانی الزام آور در پاسخگویی را بلااثر و بعضاً منحل و قلع و قمع کرد و در فضایی مملو از منم و با تکیه بر اختیارات پر دامنه برای دست‌یابی به منابع ریالی و ارزی، هیچ پاسخی به انتقادات حتی کارشناسانه و مشفقانه نمی‌داد، لذا بسیاری از مطبوعات، رسانه‌ها، سایت‌های خبری و مجلات تخصصی زیربخش‌های مختلف صنعت، معدن، تجارت، ادبی، اجتماعی، سینمایی و نهایتاً کشاورزی به بهانه وابستگی جناحی یا نداشتن شمارگان و گستره توزیع موثر، از رابطه با دولت رانده شده و کاربرد خود را به عنوان نمایندگان افکار عمومی و آینه‌هایی که از بیرون دولت را به تصویر می‌کشند، از دست دادند.

**نویسنده می‌افزاید:** به هر حال، در آستانه تشکیل دولت یازدهم امیدواریم موضوع ترمیم این ارتباط و جبران خسارت در وزارت جهاد کشاورزی که منبعث از نگرش «عدم پاسخگویی دولت» پیشین بوده است مدنظر قرار گیرد و با نگاهی نو اقداماتی نوین صورت پذیرد.







شماره ۱۳۹ - مرداد ۱۳۹۲

سرمقاله

**برنامه‌ای که می‌خواهد مشکلات عمیق کشاورزی را رفع کند باید از شعار و تعارفات سیاسی فاصله بگیرد!**

سرمقاله حاضر مجموعه انتقاداتی به برنامه ارائه شده از سوی مهندس حجتی به مجلس برای کسب رای اعتماد است. نویسنده معتقد است که این برنامه جهت خاص و نقطه اتکایی ندارد، بلکه یک سری توصیه‌های بسیار ارزشمند و تاحدودی دقیق و علمی است. نویسنده می‌گوید:

حال که مردم، از جمله بخش عمده و قابل توجهی از کشاورزان به ویژه روستائیان به رئیس جمهوری رای داده‌اند که گفته و می‌گوید قصد ندارد فقط با شعار و «هیجان» مملکت را اداره کند و هر کدام از وزرایش از جمله وزیر جهاد کشاورزی الزاماً باید برنامه‌هایی ارائه دهند که واقع بینانه، در چارچوب امکانات و قابل تحقق باشند، وقتی این همه آرزو و اهداف توامان و یکجا بدون تقاضای اعتباری فراتر از بودجه‌های متعارف در یک برنامه می‌آید نشانه «سنگ بزرگی برای نزدن» و نوعی شعار دادن به شیوه مدرن و باظاهری منطقی است. نه آقای مهندس حجتی و نه هیچکدام از همراهان ایشان بدون سرمایه گذاری حداقل ۴۰ میلیارد دلاری در یک مقطع زمانی ۸ ساله قادر نخواهند بود ۳۲ بند «بالا بلند» مندرج در سرفصل راهبردها را متحقق سازند. قرار بر این است شعار ندهیم و راستش را به مردم بگوییم؛ مثلاً اگر بخواهیم به طور واقعی «ضریب خودکفایی در محصولات اساسی را آن هم از طریق افزایش بهره‌وری و عوامل و منابع تولید با استفاده از فناوری‌های نوین و به کارگیری روش‌های جدید تولید» (بند اول راهبردها) عملی و اجرایی سازیم با بودجه‌های متعارف در وزارتخانه‌ای که بالغ بر ۱۰۰ هزار نفر حقوق بگیر دارد غیر ممکن است زیرا برای شروع، حداقل به ۱۰ میلیارد دلار اعتبار خاص، خارج از سامانه‌های متداول بودجه، برای حفظ و تقویت منابع آب و خاک که مبدا و منشا تولید هستند نیاز داریم.

**نویسنده می‌افزاید:**

به واقع وقت آن رسیده است که خودکفایی را خارج از تعارفات سیاسی، به عنوان یکی از مولفه‌های اجتناب‌ناپذیر اقتدار سیاسی که بزرگان سرزمین، ما را به مفهوم آن هدایت کرده‌اند در چارچوب یک استنباط کیفی و نه الزاماً کمی و عددی در حوزه تولید محصولات کشاورزی باز تعریف و متقن کنیم.

اول باید بپذیریم به هر دلیل اتفاقاتی رخ داده است که در حال حاضر خودکفا نیستیم، ثانیاً؛ با شرایطی که داریم، مسیر دستیابی به خودکفایی الزاماً مسیری خطی، مستقیم و بلاواسطه نیست، ثالثاً وضعیت معیشتی مردم چندان مطلوب نیست، پس برنامه‌ای که قصد اجرا و تحقق اهداف خود را دارد، باید واقع بینانه و به دور از شعار، اولویت‌های عاجل و کوتاه مدت را تعریف و براساس آنها گام بردارد.



شماره ۱۳۹ - مرداد ۱۳۹۲

مقاله

**بازپژو تا و رویه‌های نفتی در کشورهای مقصد سویا بکاریم فقط کنجاله وارد نکنیم**

این مقاله، با انتقاد نسبت به سیاست‌های واردات غیر کارشناسی خوراک طیور توسط دلال‌ها و واسطه‌های کلان می‌گوید:

می‌توان گفت چرا فقط کنجاله سویا و ذرت و سایر نهاده‌ها را وارد کنیم، می‌توانیم در چارچوب قوانین هر کدام از این کشورها به ویژه برزیل، مزارع کاشت دانه‌های روغنی و یا ذرت اجاره کنیم، در مقیاس وسیع دانه‌های روغنی بکاریم و با کمک سرمایه‌گذاری در صنایع روغن در همان مکان‌هایی که کشت می‌شوند کنجاله آن را جدا و وارد نماییم، در این صورت نتایج بسیار مثبتی برای کشاورزی کشور و همچنین تامین نهاده‌ها را رقم خواهد خورد که در شرایط ناگزیر پیش آمده، پایه و مایه کشاورزی در سرزمین‌های دیگر و انتقال محصول به داخل با ارزش افزوده بسیار بالا را فراهم می‌سازد.

گفتنی است که این موضوع به عنوان یک سیاست کلان راهبردی در حوزه اقتصاد کشاورزی، اولین بار به صورت جامع و مشروح در شماره ۹۶ دی ماه ۱۳۸۸ مجله دامپروان، زیر نام «کشت فراسرزمینی، استعمار بی‌نشان اقتصاد سبز» مطرح شده است که علاقمندان به بحث‌های اقتصاد کشاورزی، امنیت غذایی و خودکفایی در تامین محصولات اساسی می‌توانند به آن مراجعه و مطالعه نمایند.



شماره ۱۳۹ - مرداد ۱۳۹۲

مقاله

### در مراسم تاریخی کسب رای اعتماد دولت یازدهم مجلس حرفی برای گفتن نداشت

این مقاله همان‌طور که از عنوانش پیداست در جریان روزهای برگزاری جلسات رای اعتماد مجلس به وزیر پیشنهادی کابینه یازدهم نوشته شده و در آن آمده است:

باید گفت که مجلس، به رغم تلاش مجدانه و مدیریت توانمندی ۴ روز برای تأیید کابینه دولت یازدهم و دادن رای اعتماد به وزرا، در محتوا و مضمون، نه تنها در حوزه کشاورزی بلکه در سایر عرصه‌های مختلف اقتصاد و سیاست و حل مشکل معیشت مردم حرف جدیدی که حامی پیامی تحول‌ساز در این زمانه عسرت برای مردم و توصیه‌های ماندگار به دولت باشد نداشت، مجلس نتوانست یا نخواست پا به پای این تحول تاریخی سخنانی متناسب با شرایط پیش آمده و متفاوت از گذشته با مردم که در سراسر کشور و از طریق اقدام ارزشمند صدا و سیما در جریان مباحث و گفتگوها بودند، بگوید، گویا بخشی از نمایندگان محترم مجلس چندان باور نداشتند که در صحنه عمومی کشور و در عرصه انتخابات ریاست جمهوری اتفاقی متفاوت از گذشته رخ داده است. گفتگوی مجلس با کابینه و تمامی وزرای پیشنهادی از منظر مخالفان و موافقان خارج از حیطه بحث ماست اما در حوزه کشاورزی به عنوان یک رخداد باید گفت؛ نه آن دسته از نمایندگان که به مخالفت با وزیر جهاد کشاورزی دولت یازدهم برخاستند و نه موافقان وی، هیچ‌کدام سخنی جدی، راهگشا و تحول‌ساز نگفتند، در بحث مخالفان به طور عمده دو دسته موضوع مطرح شد؛ یک دسته بهانه‌گونه که مثلاً چرا حجتی گفته روستا زاده است در حالی که اهل شهر نجف است یا این که مهندس معدن است و این رشته ارتباطی با کشاورزی ندارد لذا مهندس حجتی نمی‌تواند مسائل عمده کشاورزی را درک و برایشان راه حل پیدا کند. دسته دوم، بیان مشکلات، تنگناها و نارسایی‌های بخش کشاورزی بود که از سوی موافقان، مخالفان و حتی خود مهندس حجتی، تقریباً یکسان و با تفاوت‌ها و تمایزهای اندک مطرح شد، فقط چون بحث رای اعتماد در میان بود مخالفان می‌گفتند که



حجتی نمی تواند این مشکلات را حل کند ولی موافقان می گفتند او توانایی حل مشکلات و نارسایی های کشاورزی کشور را دارد.

**منصور انصاری در ادامه بانگهای موشکافانه آورده است که:**

به واقع باید پرسید؛ آیا می توان با یک کشاورزی منطقه خشک و نیمه خشک، مواجهه با ۱۰ میلیارد متر مکعب راندمان منفی آبهای زیرزمینی، بهره وری پائین، سرمایه گذاری ناکافی در بخش های مختلف، بار گران ۲۰ درصد اشتغال، تکنولوژی عقب مانده، مکانیزاسیون فرتوت و ناکارآمد، راندمان ۳۵ درصدی آبیاری و مسئول امنیت غذایی یک مملکت، به رقم ۱۴۳ میلیون تن تولید دست یافت و با قیمت های جهانی و واردات نیز مقابله و مبارزه کرد؟ جالب است که مهندس حجتی نیز، هم در سخنرانی اش برای کسب رای اعتماد و هم در برنامه اش در قالب یک منتقد، از وضعیت کشاورزی و جفاهای بی شمار و ناگفته ها در حق کشاورزی سخن می گوید اما نمی گوید، یا نمی تواند بگوید که راه کار برون رفت از این منحصه که برای کشاورزی مملکت به وجود آورده ایم یا به وجود آمده است چیست؟ مخالفان از یک سو، موافقان از سوی دیگر و وزیر پیشنهادی نیز جملگی یک سخن می گویند: «وضعیت کشاورزی خراب است»، این بحث بسیار طولانی و خارج از این مختصر است ولی به طور خلاصه می توان گفت، که نمایندگان مجلس قادر بودند، از منظری دیگر سخنانی شجاعانه در مورد برون رفت از بحران آب، کشاورزی، واردات، خودکفایی، وضعیت نابسامان بازرگانی و سایر سرفصل ها بگویند که نگفتند، لذا وضعیت کشاورزی و کشاورزان این بار هم در ابهام باقی ماند.



شماره ۱۳۹ - مرداد ۱۳۹۲

مقاله

**بیماری مزمن رکود توری و تاثیر آن بر کشاورزی  
جمع بندی تحلیلی اقتصادی ماه**

در این مقاله تحلیلی نویسنده در بیان برخی مفاهیم اقتصادی به زبان ساده گفته است:

رکود در مقابل رونق و شکوفایی است، همان اصطلاحی که مردم بعضاً در مورد کسب و کارشان می گویند: «نمی چرخد!» یعنی تمامی اجزا از نقطه شروع تا تولید محصول، حمل و نقل، بازار، عرضه و تقاضا و بازگشت پول و نقدینگی ارتباط هماهنگ خود را از دست می دهند، یا یکی از حلقه های این زنجیره پیوسته خوب کار نمی کند، مثلاً کالا تولید شده ولی در بازار کسی به قیمت نمی خرد یا مواد اولیه آنقدر گران است که تولید صرفه ندارد و کارخانه، مزرعه، واحد مرغداری، دامداری، آبیاری پروری و ... تعطیل و نیمه تعطیل می شود و یا اینکه با تمام ظرفیت خود کار نمی کند.

گفتنی است که رکود از یک بخش اقتصاد به سایر بخش ها سرایت می کند و در جمع بندی نهایی موجب رکود عمومی و رکود عمومی به نوبه خود منجر به تورم می شود.

رکود، به دلیل عدم کارایی در فرآیند تولید موجب تورم می شود ولی تورم الزاماً موجب رکود نمی شود چه بسا اقتصادهایی بوده اند که در یک مقطع زمانی دچار تورم شدید شده اند ولی نه تنها رکود در صنعت و کشاورزی به وجود نیامده بلکه رونق و شکوفایی اقتصادی نیز به دنبال داشته است.

**وی در ادامه آورده است:**

پیش از این در شماره ۱۳۱ فروردین ماه گذشته نوشتیم که به خاطر گسترش نقدینگی سرگردان و عدم جریان

پول در مسیر تولید (چه صنعت چه کشاورزی)، لامحاله کشور با مصیبت تورم و رکود مواجه خواهد شد و اکنون نیز باید گفت در میان تمامی عوامل اقتصاد یک یادو عامل اصلی وجود دارد که دولت و جامعه اقتصادی با تکیه بر آنها می توانند مملکت را از مخمصه رکود تورمی نجات دهند و گرچه این خلاصی در ۱۰۰ روز وعده داده شده دولت یازدهم هرگز امکان پذیر نیست ولی سایه سنگین رکود را به تدریج عقب خواهد راند و این عامل همانا هدایت بخش عمده ای از نقدینگی سرگردان و تزریق اعتبارات موجود به سمت فعالیت های تولیدی ماندگار و عاجل از جمله محصولات کشاورزی و دام و طیور و تمامی حلقه های وابسته به آنها است.

اگر بازدهی سرمایه گذاری کوتاه مدت در این بخش مثبت باشد نقدینگی های سرگردان نیز با اطمینان و خود به خود به این بخش هجوم می آورند، البته سال هاست که حجم اقتصاد کشاورزی از صدر تا ذیل نسبت به سایر بخش ها اندک است ولی خواب سنگین رکود و تورم در این بخش زودتر از سایر بخش های اقتصاد شکسته می شود چنانچه بارونق در زیربخش های مختلف کشاورزی، دیگر فعالیت ها که می توان تمامی آنها را احصاء کرد پا خواهند گرفت.

ورود این نقدینگی به بخش تولید و صنایع وابسته کشاورزی نه تنها مانند دیگر بخش های اقتصاد شمشیر دو لبه نیست و آسیبی به چرخه اقتصاد کشور وارد نمی سازد بلکه سرعت تورم را همانند یک ضربه گیر کاهش می دهد و از آنجا که به طرق مختلف به تمامی صنایع و خدمات مرتبط است می تواند بهترین نقطه شروع مقابله با رکود و تورم و سمت دهی به بخش عمده ای از برنامه های اقتصادی کشور باشد.



شماره ۱۳۹ - مرداد ۱۳۹۲

مقاله

### صنعت مرغداری و مرغداران در التهاب و دلهره خوب است مسئولان، این روزهای مرغداران را فراموش نکنند

نویسنده آورده است:

دیگر مهارت در تولید، کوشش برای کاهش ضریب تبدیل، استفاده از نژادهای برتر، بهره گیری از تکنولوژی های روز در فرایند تولید، استفاده از هیترها و فن های مدرن، جلوگیری از پرت دان، تعریف جیره با فرمول های جدید، کاهش دوره پرورش و خلاصه شاخص های مدیریت فنی و مدیریت تغذیه و تولید در مقابل شرایط پیش آمده در حوزه نوسانات مداوم قیمت و نگرانی های مکرر تامین دان و چگونگی تخلیه واحد و حمل گوشت مرغ به کشتارگاه و فروش تخم مرغ جایگاه تعیین کننده خود را در حوزه رقابت برای تولیدی بهتر از دست داده است. عمده فکر و ذکر تولیدکنندگان شده است تامین نهاده ها با قیمت کمتر و فروش به موقع محصول نهایی در شرایط پرنوسان به طور کلی آرامش و آسایش از مرغدار سلب شده و نگرانی فزاینده ای سرمایه گذاران این بخش را فرا گرفته است. روند تولید از حالت متعارف خارج شده و تولیدکنندگان گوشت مرغ و تخم مرغ به جای آنکه به سرمایه گذاری، تخصص و توانایی های فنی و تکنیکی به وجود آمده در فارم خود تکیه کنند و با آرامش در فکر گسترش سرمایه گذاری و به روز کردن فن آوری های موجود باشند دغدغه این را دارند که چگونه به اقلام علوفه ای همچون ذرت دانه ای و کنجاله سویا و میتونین و لیزین و موارد متعدد دیگر دسترسی یابند.

آنها مدام در این اندیشه اند که آیا کنجاله سویا، ذرت دانه ای و یا سایر نهاده ها را بخریم و انبار کنیم که جوجه ها





و طیور گرسنه و بی جیره نمانند یا بگذاریم وضعیت بهتر شود؟

آیا اصولاً جوجه ریزی بکنیم یا نکنیم؟ با تجزیه تحلیل بازار که نمی شود به یک ارزیابی دست یافت، آیا شیر یا خط کنیم؟! به واقع وضعیت روانی صاحبان صنعت مرغداری به ویژه صاحبان صنایع مرغ مادر از این هم بدتر است، اضطراب و نگرانی برای حفظ سرمایه خواب از چشم آنها روده و دلهره و اضطراب را جایگزین آن کرده است. خوب است مسئولان و دست اندرکاران و آنان که در بهترین شرایط درآمدهای نفتی این بلاها را بر سر اقتصاد کشور آوردند و همچنین دولت جدیدی که بر سر کار آمده است این روزهای مرغان را به خاطر بسپارند تا به محض افزایش قیمت مقطعی، با گرز گران تعزیرات به سراغ آنها نروند و همچنین، خوب است وضع فعلی مرغان را برای مردم تشریح کنند تا ایشان در کنار تولیدکنندگان قرار گیرند و نه خدای ناکرده در برابر آنها!



شماره ۱۴۰ - شهریور ۱۳۹۲

سرمقاله

### «کشت فراسرزمینی» رهیافتی عاجل به سوی امنیت غذایی با حفظ منابع پایه

این سرمقاله، پیر و اولین طرح بحث کامل و جامع مجله دامپروان در شماره ۹۶ دی ماه ۱۳۸۸ تحت عنوان «استعماری نشان اقتصاد سبز فارغ از تنش ها و مناقشات سیاسی» و برآمد آن در مصاحبه مطبوعاتی محمدباقر نوبخت سخنگوی دولت یازدهم آورده است:

از سال ۱۳۸۸ به این طرف و تا آستانه شروع به کار دولت یازدهم، فضایی برای مباحثی این چنینی به خصوص در عرصه کاهش تنش ها و مناقشات سیاسی یا تأکید بر تعاملات جهانی وجود نداشت، حال شاهد هستیم سخنگوی اقتصاددان و آشنا به کشاورزی دولت یازدهم از این موضوع تحت عنوان «کشت فراسرزمینی» یاد می کند و می گوید مقرر شده است آئین نامه هایی نیز برای آن تدوین و ابلاغ گردد. منصور انصاری نویسنده سرمقاله حاضر در ادامه به ذکر ماخذ از شماره ۹۶ مجله دامپروان می پردازد و می گوید:

به هر حال، در مقدمه مطلبی که به قلم سردبیر و در شماره دی ماه مجله دامپروان درج شده آمده است: «آنچه که در پی می خوانید شاخص هایی در عرصه تحولات سیاسی جهان کنونی است که در قالب اقتصاد سبز و تولیدات کشاورزی به دور از تنش ها و مناقشات سیاسی میان دولت ها و حسب ضرورت تامین غذا در حال گسترش است.

خرید و فروش و اجاره های طولانی مدت زمین های مرغوب کشاورزی توسط سرمایه گذاران بخش خصوصی کشورها و حتی دولت ها در کشورهای دیگر، به دور از صف بندی های ژئوپلیتیکی و سیاسی و بدون وابستگی به پیمان های سیاسی نظامی دو جانبه تحقق یافته است. این موضوع در مورد کشورهایایی که با یکدیگر همخوانی سیاسی نیز ندارند عملی شده است.

در این گزارش جداگانه نیز از سطح زیرکشت و کشورهای که در آن کشت فراسرزمینی صورت گرفته با نقشه جهان چاپ شده بود

نویسنده می افزاید:

اینک طرح این بحث از سوی دولت و اینکه قرار است موضوع مصوب و ابلاغ شود حائز اهمیت فوق العاده ای است باید این مصوبه از سوی سرمایه گذاران بخش خصوصی، تشکل ها و نهادهای مرتبط به ویژه وزارت جهاد کشاورزی پیگیری و زمینه های اجرایی آن دنبال شود، این پدیده

خاص در تعاملات نوین ژئوپلیتیک جهانی محدود به کشت محصولات زراعی و باغی و غیره نمی شود بلکه تولید

گوشت مرغ و گوشت قرمز و حتی صنایع لبنی رانیز در برمی گیرد که اگر از سوی دولت بستر سازی شود با همکاری و مشارکت سرمایه گذاران بخش خصوصی و حتی کشاورزان نمونه می تواند بخش عمده ای از نیازهای غذایی کشور را به دور از نوسانات بازارهای جهانی و بازی های سیاسی و در قالب حمایت های دولت از سرمایه گذاران و تعهدات آنان نسبت به جامعه مصرف و مردم کشور تامین نماید. کافی است بدانید همان طوری که در آن گزارش قید شده بود «کشور عربستان سعودی در کشور اندونزی ۵۰۰ هزار هکتار زمین مرغوب خریداری و محصول آن یعنی ۲/۳ میلیون تن برنج را به کشور خود وارد یا به بازارهای جهانی صادر کرد».

حال محاسبه کنیم اگر میزان بالغ بر ۸۰۰ هزار تن برنجی که سالیانه از کشورهای مختلف با قیمت های متفاوت در بسترهای رانتی و به زیان تولید داخل و مصرف کننده وارد می شود به صورت فوق و در قالب کشت فراسرزمینی توسط کشاورزان خودمان تولید و وارد شود چقدر می تواند صرفه اقتصادی داشته باشد؟ در واقع این یک سرمایه گذاری ملی است و از حوزه سرمایه گذاری داخلی بخش کشاورزی خارج نمی شود.

آیا بهتر نیست با کمک رویه ها و پز و تا های نفتی که صرف واردات کنجاله سویا می شود در کشورهای مقصد سویا بکاریم و پس از استحصال «روغن خام» یا «فرآوری شده» در کارخانجاتی با هم با سرمایه گذاری خودمان کنجاله آن را وارد کنیم؟ آیا نمی توانیم محاسبه کنیم در صورتی که مثلاً ۱۰ میلیون تن حبوبات و کالاهای اساسی از این طریق وارد کنیم چقدر به یاری و کمک آب سفره های زیرزمینی در حال نابودی مان کمک کرده ایم؟ دامنه این بحث بسیار گسترده است و فقط باید گفت و تأکید کرد در دولتی امکان پذیر است که در جستجوی راه های تعامل با مناطق ژئوپلیتیک جهان است، در فضای تهدید، مقابله جوئی و مناقشه که دیپلماسی شکست خورده و مطرودی از نظر جامعه جهانی و افکار عمومی است نمی توان مباحثی این چنینی را دنبال کرد.



شماره ۱۴۰ - شهریور ۱۳۹۲

#### مقاله تحلیلی

### پای سازمان بازرسی کل کشور نیز به شیر فله باز شد

این مقاله در پی ترویج موضوع فروش و مصرف فله ای شیر در کشور، بدون طی مراحل پاستوریزه و هموژنیزه از سوی اتحادیه دامداران در آن مقطع زمانی نوشته شده است. موضوعی که می توانست در تحلیلی نهایی برای دامداری کشور خطر آفرین و بحران ساز و در عین حال یک عقب رفت تاریخی و غفلتی نابخشودنی از روی مصلحت گرایی به شمار رود.

منصور انصاری در بخش نزدیک به پایان این مقاله می گوید:

کسانی که موضوع عرضه شیر فله را، حال با توضیح شفاهی شرایطی خاص ترویج و تبلیغ می کنند و از آن به عنوان راه حلی برای برون رفت از وضع موجود اسم می برند بدانند که نه تنها نجات صنعت با این شیوه امکان پذیر نیست بلکه نفی دستاورد علمی و پیشرفت و تمدن بشری و یک ضایعه تاریخی به شمار می رود. ممکن است در کشوری مثل «گینه یا تانزانیا» که علیرغم تولید بسیار بالای شیر و بستر اشتغال و درآمد ساکنان، صنایع لبنی با سازمان توزیع سراسری وجود ندارد و یا آنچه که هست جو ابگویی حجم تبدیل نیست، دولت به ناگزیر نحوه استفاده صحیح از شیر فله را برای جلوگیری از گسترش بیماری ها رسماً اعلام دارد، ولی همگان می دانند که چه سرمایه گذاری عظیم ملی و چه تلاش های بزرگی از سوی دولت و سرمایه گذاران برای مجهز کردن کشور به صنایع لبنی یا واحدهای



کشتار گاهی دام و طیور صورت گرفته است، همگان می دانند طبق آمارهای متقن، صنایع لبنی ظرفیت کافی برای تولید فرآورده های مختلف را دارند و حتی این ادعا هست که فقط به اندازه ۶۰ درصد ظرفیت خود نیز کار می کنند، حال فرض کنیم مثلاً آجحاف می کنند یا خون دامداران در شیشه کرده اند آیا در چنین شرایطی تیشه به ریشه این سرمایه ملی کاری است ملی و در جهت توسعه اقتصاد صنعت دامپروری و منافع دامداران کشور؟ آیا می توان مثلاً به بهانه گرانی مرغ، مجوز کشتار سنتی صادر کرد؟... آیا بهتر نیست سازمان ها و وزارتخانه های متولی و مسئول گردهم آیند و با تعیین یک تنخواه نظارت شده و ارتقا سطح کمی و کیفی ارتباط میان دامداران و صنایع لبنی، موضوع قیمت خرید و پرداخت به موقع پول شیر دامداران را ریشه ای حل نمایند؟ با هیچ عقل سلیمی نمی توان به این نتیجه رسید که برای حل مشکل میان دو حلقه از زنجیره به هم پیوسته صنایع لبنی و دامداران، اینگونه با نقب زدن زیر پای یک سرمایه گذاری ملی که تضمین کننده بقا و دوام تولید شیر خام در رئوس کلی است را خالی نمائیم.

#### وی در پایان می افزاید:

تبلیغ، ترویج، عادی کردن عرضه شیر فله به زیان منافع ملی، مردم، دامداران و صنایع لبنی است و گرچه همه می دانند از دیرباز بخشی از شیر تولیدی از مبادی سنتی عرضه و تبدیل می شود ولی باید تلاش کرد که مسیر این کار به سمت صنایع و کارخانجات تغییر کند نه برعکس!



شماره ۱۴۰۵ - شهریور ۱۳۹۲

#### مقاله تحلیلی اقتصادی

#### کدام نرخ ارز در جهت منافع و اقتصاد کشاورزی است؟

این مقاله در شرایط پرنوسان نرخ ارز، میان ۳۵۰۰ تومان برای هر دلار تا زیر ۳ هزار تومان در روزهای پایانی شهر یورماه و هم زمان با سفر دکتر حسن روحانی و هیات همراه به نیویورک برای شرکت در اجلاس جهانی سازمان ملل متحد نوشته شده است.

نویسنده پس از رصد دقیق تاثیرات نوسان های پدیده نرخ ارز در آن روزها نوشته است:

باید پرسید کدام سیاست ارزی به نفع اقتصاد ملی کشور خواهد بود، افزایش نرخ دلار بالای ۳۰۰۰ تومان، کاهش آن تا مرز نرخ ارز مبادله ای یعنی حدود ۲۵۰۰ تومان و یا در مجموع تثبیت قیمت روی ۳ هزار تومان؟

#### وی می افزاید:

وضع کنونی دولت چیست؟ بودجه ای حدود ۲۱۰ هزار میلیارد تومان برای جلوگیری از گسترش تورم پیشنهاد شده، بودجه ای انقباضی و تقریباً نصف بودجه سال گذشته، از سوی دیگر از همین رقم ۲۱۰ هزار میلیارد تومان دولت تعهد کرده است تا پایان سال مبلغی حدود ۳۵ هزار میلیارد تومان یارانه نقدی پرداخت کند و البته گفته می شود با کسر بودجه ای معادل ۳۵ تا ۱۰۰ هزار میلیارد تومان نیز مواجه است با این شرایط، هم زمان ناگزیر است با بیماری ریشه دار «رکود تورمی» نیز مبارزه کند، اقدامی به مثابه جراحی و جدا کردن غده ای سرطانی چسبیده به نخاع که بسیار عمل سخت و حساسی است، حساس از این نظر که اگر بخواهد رکود تولید را در هم شکند باید نقدینگی تزریق نماید و خود این ممکن است تورم را گسترش دهد. به هر حال با این شمای عمومی، غولی به نام نقدینگی سرگردان، لجام گسیخته و بالغ بر ۵۰۰ هزار میلیارد تومان در مقابلش ایستاده است. شاید گفته شود دولت می تواند با اتکا به درآمدهای نفتی با این غول مقابله کند، طبعاً پرسیده می شود درآمدهای تخمینی سال پیش رو



از فروش نفت چقدر است؟

پاسخ اینکه رقمی میان ۴۰ تا ۵۰ میلیارد دلار، آیا این رقم در مقابل نقدینگی سرگردان بالغ بر ۱۶۰ میلیارد دلار قادر به اقدامی جدی هست؟

**منصور انصاری ادامه می‌دهد:**

حال مجدداً به پرسش اول مقاله مان برمی‌گردیم، آیا نرخ دلار ۳۰۰۰ تومان به نفع اقتصاد کشور است یا کاهش آن تا ۲۵۰۰ تومان و کمتر و آیا نرخ بالای دلار به نفع کشاورزی کشور است یا باین بودن آن؟

هر چند برخی تولیدکنندگان عرصه‌ی کشاورزی از جمله تولیدکنندگان گوشت مرغ، تخم مرغ، دامداران، زارعان و باغداران از پائین بودن نرخ ارز برای خرید مواد اولیه شامل نهاده‌ها، تکنولوژی و فن‌آوری‌های کاشت، داشت، برداشت و صنایع آن سود می‌برند ولی از آنجا که تمامی فعالیت‌های تولیدی ختم به بازار و تصمیم مصرف‌کنندگان و قدرت خرید آنان می‌شود بالا بودن نرخ دلار یعنی حدود ۳۰۰۰ تومان به سود اقتصاد کشاورزی و کشاورزان است زیرا بغل گوش تولیدات آنان، انواع و اقسام محصولات وارداتی با نرخ ارزان دلار قدرت رقابت ایشان را در هم می‌شکند و البته دولت هم، هر دولتی که باشد نمی‌تواند در شرایط تولید بی‌رونق داخلی و واردات آسان، با وجود درآمدهای نفتی نسبت به امنیت غذایی جمعیت بالغ بر ۷۵ میلیون نفر بی‌تفاوت باشد.

**وی در پایان نتیجه می‌گیرد که:**

جراحی این غده چسبیده به نخاع، با تزریق خون تازه که همانا رونق تولید داخل و صرف صحیح نقدینگی است امکان‌پذیر است، در شرایطی که حجم انبوه کالاهای وارداتی با ارز ارزان قیمت بازار تقاضا را اشباع می‌کند و نقدینگی مردم هر چه بیشتر از تولید فاصله می‌گیرد، تولید از رکود بیرون نخواهد آمد و بیماری رکود تورمی هر آینه حادث‌تر نیز خواهد شد.



شماره ۱۴۲ - ۱۴۱ مهر و آبان ۱۳۹۲

**سرمقاله**

**برگزاری موفق چهارمین کنگره خانه کشاورز، مهم‌ترین رخداد تحول ساز کشاورزی در دهه گذشته**

**نویسنده در مطلع این مقاله آورده است:**

شاید به نظر برسد ارزیابی این رخداد که در ششم و هفتم آبان ماه برگزار شد، به عنوان مهم‌ترین رخداد تحول ساز کشاورزی کشور در دهه گذشته مبالغه آمیز و دور از واقعیت است اما اگر ابعاد مختلف آن را مورد مذاقه قرار دهیم در خواهیم یافت این رخداد می‌تواند منشا تحولات بزرگ در عرصه جامعه مدنی، تولید و بهره‌وری در محصولات کشاورزی و همکاری و مشارکت بیشتر بخش خصوصی با دولت باشد، حرکتی دمکراتیک و الگویی آموزنده، حتی برای سایر فعالان سیاسی، جامعه مدنی، حرکت‌های صنفی و گروه‌های فکری مختلف که برآنند در عرصه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی کلان سیاسی اقتصادی کشور ایفای نقش نمایند.

سیاست‌مداران به جایگاه مردمی این تشکل مستقل پی بردند و به سوی آن آمدند، خود این تشکل نیز در گذر از رخداد‌های زمانه هر چه بیشتر پخته‌تر گردید تا جایی که توانست در چارچوب اساسنامه ابتدا از منافع ملی کشور که همانا استقلال، حفظ منابع پایه آب و خاک و ساختار کشاورزی است سخن گوید و سپس موضوع اهمیت کشاورزان و کشاورزی کشور را به مسئولان کشور گوشزد





نماید. حال پس از گذشت بیش از یک دهه شاهد هستیم چهارمین کنگره خانه کشاورز، مستقلانه، با شرکت ۱۵۰۰ کشاورز عمده منتخب از میان ۴۵۰۰ کشاورز در سراسر کشور که خود بالغ بر ۵۰۰ هزار کشاورز را نمایندگی می کنند و همچنین حضور تمام قد دولت بر گزار می شود.

خبرهای بسیار خوشحال کننده از سوی رئیس جمهوری مبنی بر تشکیل مجدد شورای عالی آب و محیط زیست و تامین نیازهای عاجل و فوری کشاورزان در این کنگره خطاب به حاضران آشکار می سازد که فاصله میان دولت و این تشکل که حتی در سالهای دولت اصلاحات آشکارا به چشم می خورد اینک بسیار اندک شده است و به جای اینکه تشکل خانه کشاورز به سوی دولت برود این دولت است که به سوی خانه کشاورز آمده است زیرا به خوبی دریافته که این خانه چه نقش تاثیر گذاری در جامعه مدنی، کشاورزی کشور و همچنین تولید و بهره وری دارد.

**نویسنده پس از شمر دن رموز موفقیت خانه کشاورز تحت عنوان سه اصل مهم، به نکته ای اشاره می کند که دکتر عیسی کلانتری دبیر کل خانه کشاورز در متن سخنرانی خود با این مضمون خطاب به رئیس جمهور بیان داشته است:**

اگر شورای عالی آب و محیط زیست را تشکیل می دهید برای ایفای نقش بخش خصوصی در تصمیم گیری ها، کشاورزان را نیز دعوت کنید.

**نویسنده پیر و همین نقل قول می افزاید:**

به واقع باید گفت این بزرگترین نقص دولت ها در ادوار پیشین بوده است که در نیافته اند دولتی که با مشارکت، شفافیت و اعتماد به مردم و بخش خصوصی اتخاذ تصمیم می کند مرتکب اشتباه کمتری می شود و به موفقیت بیشتری دست می یابد. مسلما دکتر حسن روحانی که خود می گوید بیشترین رأی را از کشاورزان و روستائیان اخذ کرده است این توصیه زیننده را به کار خواهد گرفت. انشا...



**شماره ۱۴۲ - ۱۴۱ مهر و آبان ۱۳۹۲**

**مقاله تحلیلی**

**وقت آن است که دولت دست از سر تولیدکنندگان عرصه دام و طیور بردارد**

**در مطلع این مقاله آمده است:**

مشخص نیست چرا دولت ها طی ادوار گذشته به رغم طرز فکرهای مختلف و شیوه های متفاوت اداره کشور، همگی قصد ندارند یا نمی خواهند دست از سر مرغداران و دامداران بردارند و آنان را از این تشویش و نگرانی مداوم و نوسانات ویران کننده قیمت نجات دهند، واقعیت این است دولت ها به بهانه حمایت از تولید و یا مصرف کنندگان و با گمان تثبیت قیمت ها با شیوه هایی که تاکنون در عرصه اقتصاد و بازرگانی عمل کرده اند بی آنکه خود بخوانند عامل اصلی تشویش و دوگانگی در عرصه تولید و در هم ریختگی و نابسامانی در بازار به زیان مصرف کنندگان و تولیدکنندگان گوشت مرغ، تخم مرغ، شیر و گوشت قرمز بوده و هستند.

**نویسنده می افزاید:**

موضوع اضطراب، دلهره، نگرانی و عدم ثبات تولید و تولیدکنندگان گوشت مرغ، تخم مرغ، شیر و گوشت قرمز از دولت پنجم و ششم موسوم به تعدیل اقتصادی، دولت هفتم و هشتم موسوم به اصلاحات و مشارکت بیشتر مردم و دولت نهم و دهم موسوم به نوعی اصول گرایی مردم مدارانه تاکنون از نظر ماهیت هیچ تغییری نکرده است. ماجرا همان است البته با دامنه نوسان کمتر و بیشتر در دولت های



مختلف.

گمان نمی رود هیچ مرغدار یا دامداری طی ۲۵ سال گذشته یک شب راحت سر بر بالین گذاشته باشد بی آنکه نگران فرمایش نبوده باشد. البته اضطراب و ریسک و نگرانی در تمامی عرصه های تولید و بازرگانی در حد متعارف مرسوم و اجتناب ناپذیر است اما در عرصه فعالیت های تولیدی دام و طیور همیشه و به دلیل دخالت های حال خیر خواهانه دولت ها دامنه بسیاری داشته است، این روند آشکار می سازد که دولت ها قصد ندارند دست از سر تولید بردارند و بی آنکه بگویند خود را مالک مطلق فعالیت های تولیدی به ویژه در عرصه تولیدات حساسی مانند تخم مرغ، گوشت قرمز، شیر و خلاصه مواد لبنی می دانند.

آنها با توجه به طرح شعار حمایت از اقشار آسیب پذیر با هر نیتی که داشته اند به نوعی سعی کرده اند با نرخ ارزان، ارز مواد اولیه مورد نیاز تولید را تامین کنند تا بتوانند به خود حق دهند که به صورت دستوری قیمت نهایی را مثلاً به نفع مصرف کنندگان تعیین نمایند.

این دوگانگی نرخ ارز برای تامین مواد اولیه و مابه التفاوت آن با نرخ آزاد از نقطه شروع تا انتهای تولید و عرضه به بازار، بسترهای متعدد فساد و نوسان مداوم برای تولید را علاوه بر عرف متداول نوسان بازار فراهم ساخته است و همیشه اساسی ترین ضربه را به بهسازی و بهبود بهره وری وارد کرده است، چنانچه عرصه رقابت را برای عرضه کیفی کالا و تولید بیشتر از بین برده، بر صاحبان صنایع و تکنولوژی ساخت تجهیزات و ماشین های مرغداری آسیب وارد کرده و مانع از آن شده که سرمایه گذاران اعم از مرغداران و دامداران به فکر بهبود تجهیزات برای تولید کیفی و کمی بیشتر شوند. در واقع این امر، تمامی تلاش های تولید کنندگان و تشکل های آنان را معطوف دست رسی بیشتر به مواد اولیه ارزانتر کرده است، این پدیده، ویران کننده و فساد آفرین است، حتی اگر با تمامی حسن نیت انجام گرفته باشد.

### نویسنده در پایان چنین جمع بندی می کند:

حال دولت یازدهم با ویژگی های خاص خودش تشکیل شده و اقتصاد کشور و تامین معیشت مردم بیش از گذشته حیاتی شده است.

در این شرایط دولت باید موضوع تولید آزاد با نرخ ارز آزاد و تولید رقابتی را در دستور کار قرار دهد در عین حال، در چهارچوب مسئولیت خود در مقابل تولید و اقشار آسیب پذیر اقدام به صدور کارت سهمیه مواد پروتئینی و لبنی ارزان قیمت، برای حداقل ۴ دهک پائین جامعه کند و «کلیه یارانهای در دسر ساز ناقص تولید در قالب نرخ دوگانه ارز» را منتفی کند.

اتخاذ چنین تصمیمی در یک فرآیند نه چندان طولانی آغازی برای پایان تمامی دوگانگی ها، نوسانات غیر منطقی و طوفانی و مشکلات مرغداران و دامداران خواهد بود، دامنه فساد، بی آنکه نیروهای ناظر با هزینه های هنگفت بالای سر تولید قرار گیرند کاهش خواهد یافت و عرصه برای خروج موفقیت آمیز اقتصاد دستوری فراهم خواهد شد.



شماره ۱۴۲ - ۱۴۱ مهر و آبان ۱۳۹۲

مقاله - گزارش

### با اتخاذ تصمیمی تاریخی صنعت مرغداری را از مخمصه نجات دهید!

در این مقاله، نویسنده بازم به دفاع منطقی از صنعت مرغداری کشور، در ابتدا با ذکر خاطراتی از برخی

بازدیدها از فارم های مرغداری هلند و آلمان ضمن سفرهای آموزشی ترویجی سالها پیش به خارج از کشور، به ایران



دامپروران سال پانزدهم - شماره ۱۴۷ - فروردین ۱۳۹۳

بازمی گردومی گوید:

البته اگر بخواهیم تمامی گفته‌های متناقض و چندگانه و قول و قرارهای داده شده و تحقق یافته، قیمت‌هایی که اعلام شده و اصلاح گردیده، بالا رفته یا پایین آمده، نرخ ارز ۱۲۲۶ تومانی یا ارز مبادله‌ای ۲۴۷۵ تومانی، کشتی‌های در راه، کشتی‌های روی آب، کشتی‌های مسیر عوض کرده، کشتی‌های در بندر مانده، دستورات حمل خواهد شد، حمل نخواهد شد، قرار است ۲/۵ میلیارد ارز مرجع بدهند، نمی‌دهند، شاید بدهند، خواهند داد، اگر ندهند قیمت جوجه به ۲۰۰۰ تومان خواهد رسید، قیمت مرغ در بازار ده هزار تومان خواهد شد، شرکت پشتیبانی می‌دهد، شرکت پشتیبانی نمی‌دهد، دلال‌ها میدان دار هستند، خود شرکت پشتیبانی کالاهايش را همانند واسطه‌ها متناسب با قیمت روز افزایش می‌دهد، افزایش نمی‌دهد، قیمت سویا ۱۰۵۰ تومان، ذرت ۶۵۰ تومان، قیمت سویا ۱۸۰۰ تومان، قیمت ذرت ۹۵۰ تومان، تهاتر گوشت با دان ارزان، گوشت گرفته‌ایم ولی دان ارزان نداریم بدهیم، ما به التفاوت می‌دهیم، بودجه نداریم بدهیم، و... را، نه از زبان عامه مردم، بلکه از قول وزیر، معاون وزیر، مدیر کل، نماینده مجلس، معاون کمیسیون کشاورزی، سخنگوی فلان نهاد و ده‌ها شخصیت دیگر بنویسیم باور کنید یک کتاب هزار صفحه‌ای می‌شود تازه اگر فقط بازه زمانی ۶ ماهه گذشته را در نظر بگیریم، لذا برای اینکه نشان دهیم چگونه مرغداران و صنعت مرغداری دچار پریشان حالی، سرگردانی، دلهره‌های غیر قابل تحمل و مخصصه بی پایان شده‌اند کافی است به فرازهایی از گفته‌های یک از هزار آنها اکتفا کنیم تا بتوانید مقایسه‌ای واقعی میان مرغدار هلندی یا آلمانی با مرغدار کچو متقال اردستان یا اطراف همین تهران خودمان داشته باشید. فرقی نمی‌کند، این پریشان حالی و مخصصه سراسری و واگیردار است.

وی در ادامه ضمن آوردن مستندات رسانه‌ای نتیجه می‌گیرد:

آنچه که باقی مانده همان پریشان حالی و مخصصه صنعت مرغداری و مرغداران است، در این شرایط به نظر می‌رسد دولت باید بی محابا از افزایش نرخ گوشت مرغ و تخم مرغ، موضوع آزادسازی را به طور کامل اعلام کند و البته اقتدار و نقش نظارتی خود را در بازار، با اعطای کارت‌های خرید مواد پروتئینی به قیمت ارزان، همچون کارت‌های سوخت، از پایین‌ترین دهک‌های اجتماعی شروع کند، مکانیزم بازار در چنین شرایطی گرچه ممکن است در ابتدا مطلوب نباشد اما هم میزان تولید را تعیین و تثبیت می‌کند و هم قیمت بازار را با نوسان کم دامنه مشخص خواهد کرد.

افزایش یا کاهش میزان کارت‌های خرید مواد پروتئینی و لبنیات می‌تواند عرصه تولید کیفی و رقابتی را نیز تعیین نماید.

این تصمیم تاریخی، سرنوشت صنعت را در مسیر بهبود بهره‌وری و خلاصی مرغداران از وضع کنونی برای همیشه روشن خواهد ساخت.



شماره ۱۴۳ - آذر ۱۳۹۲

سرمقاله

کارت یارانه مصرف شیر و مواد لبنی، تاثیرگذارترین یارانه به دامداران واقعی

سرمقاله حاضر در شرایطی نوشته شده که دولت اعلام داشته است برای تثبیت قیمت شیر مبلغ ۶۰۰ میلیارد تومان با عنوان «یارانه شیر خام» به دامداران و تولیدکنندگان اختصاص می‌دهد. نویسنده پیرو همین اعلام آورده است:

باید گفت این یارانه غیر هدفمند چگونه و با چه شیوه‌ای به دست دامداران می‌رسد؟



معیار و ملاک تخصیص آن به چه شکل خواهد بود؟ آیا در توزیع این یارانه عدالت رعایت می شود؟ آیا دامدارانی که دورتر از مناسبات تعاونی ها و اتحادیه ها هستند به همان میزان اقربا و نزدیکان از این یارانه بهره مند می شوند؟ آیا داستان توزیع و تخصیص ۱۲۰ میلیارد تومان یارانه سبوس دولت دهم به سبک و سیاق تصمیمات دکتر احمدی نژاد تکرار نخواهد شد؟ آیا دولت در قالب نهادهای ناظر خود شیوه‌ای برای اختصاص این یارانه به گونه‌ای که متوسط رضایتمندی عمومی دامداران را جلب نماید تعریف کرده است؟ آیا تخصیص این مبلغ که البته تمامی شواهد و قرائن آشکار می سازد تاثیر چندانی در تثبیت قیمت شیر نخواهد داشت و خواهیم دید، منبع و محلی برای فساد، رانت خواری، تبعیض و به هم ریختن فرایند سالم رقابت در تولید شیر و گوشت نخواهد شد؟

آیا همان داستان قدیمی سال‌های متمادی گذشته تکرار نخواهد شد که برخی «دامداران موفق به دلیل رابطه» بتوانند بیشترین یارانه را به رغم کمترین میزان تولید به خود اختصاص دهند؟ در قیاس، تکلیف دامداران پاک دستی که در کمال صداقت و بادشواری بسیار و اعمال مدیریتی علمی بدون برخورداری شایسته و متناسب از این یارانه‌ها به تولید مشقت بار خود ادامه می دهند چه خواهد شد؟ آیا دولت یازدهم نیز می خواهد به جای تشویق و ترغیب به تولید رقابتی و افزایش بهره‌وری زمینه و عرصه‌ای از رانت جوئی را در صحنه دامداری کشور به وجود آورد؟ بالاخره نباید تولید در جایگاه واقعی خود قرار بگیرد؟ تا کی قرار است با ایجاد زمینه‌های رانت، تولید را در مخاطره قرار دهیم؟

#### نویسنده در فراز دیگری می گوید:

در دولت نهم و دهم، همین جریده دامپروان پیشنهاد داد خروجی شیر خام از دامداری‌ها به صورت یک سامانه دیجیتالی، همچون کارت بنزین ولی برعکس، در مرکز هر استان جهت جلوگیری از اجحاف و رعایت عدالت در توزیع یارانه‌ها به هر شکل ایجاد شود تا به محض خروج میزان شیر تولیدی به نام واحد دامداری و کدی که دارد در آن مرکز ثبت شود، البته گویا نفع بسیاری در پیگیری این شیوه عملی و کم هزینه نبود چون طبعاً شکل‌ها می بایست از دولت مطالبه می کردند که نکردند یا نشد.

#### وی در پایان می افزاید:

باید تا حد زیادی تکلیف یارانه‌های غیر هدفمند که بستر رانت خواری و فساد ایجاد می کنند مشخص شود تا به جای آن دولت عرصه رقابت را برای دامداری‌ها فراهم سازد و آزادی افزایش قیمت شیر را پذیرا شود و طبیعی است برای کمک به تولید و مصرف کنندگان، در نهایت «کارت یارانه مصرف شیر و مواد لبنی» را به عنوان «یارانه به دامداران» در سامانه اقتصادی خود و برای ۵ دهک پائین جامعه قرار دهد.

تا وقتی که یارانه‌ها به صورت موقت، مقطعی و غیر هدفمند برای دامداران منظور شود «تولید کیفی و رقابتی» نخواهیم داشت ضمن اینکه منابع کشور قادر به تامین علوفه خشبی مورد نیاز برای دامداری‌هایی که ساده‌ترین راه یعنی مصرف علوفه خشبی را در دستور تغذیه مزارع خود قرار می دهند نیست و از سوی دیگر نمی توان با هزینه‌های گران حمل و نقل، از قزاقستان یا آذربایجان شبدر برسیم، یونجه و... وارد کرد.

مراقب باشیم در عرصه اعطای یارانه‌ها گرفتار تصمیمات شتاب زده به شیوه دکتر احمدی نژاد نشویم، گرچه باید پذیرفت که در بحران همه جانبه دامنگیر دامداران کشور در وضع کنونی تصمیم عاجل دولت یازدهم مبنی بر اعطای یارانه ۶۰۰ میلیارد تومان به شیر خام به شرطی که توزیع آن عادلانه باشد، کمترین کاری است که می توان به حمایت از دامداران و کشاورزی کشور انجام داد.



**جستاری موجز از تمایز و تفاوت نقدینگی پول و پایه پولی**

در این مقاله نویسنده با اشاره به گزارش ۱۰۰ روزه دکتر حسن روحانی و بیان آماری مبنی بر بدهی بالغ بر ۱۸۰ هزار میلیارد تومانی دولت پیشین، تورم ۴۰ درصدی و نقدینگی بیش از ۵۰۰ هزار میلیارد تومان در دست مردم به طرح سوالاتی به این شرح می پردازد:

آیا واژه پول به معنی ثروت است؟ آیا هر کسی که پول در حسابش دارد دارای یک ثروت ثابت است؟ انواع پول کدامند؟ نظام بانکی چگونه به خلق پول می پردازد؟ دولت چگونه مقدار پول در گردش را کنترل می کند؟ شرح وظایف پول در یک نظام مالی چیست؟

**نویسنده در ادامه برخی مفاهیم اقتصادی را چنین بر می شمرد:**  
\* پول چیست؟

پول هیچگونه ارزش ذاتی ندارد شاید ارزش آن در حد قیمت تمام شده یک برگ اسکناس باشد خواه یک اسکناس ۱۰ هزار تومانی یا ۵۰ تومانی، ارزش ذاتی اسکناس به «پایه پولی» یا با تساهل همان «پشتوانه پول» است.

\* پایه پولی چیست؟

اقتصاد دان ها تعاریف تقریباً نزدیک به همی در مورد پایه پولی دارند و پایه پولی هر کشوری به طور خاص به موقعیت بانک مرکزی آن کشور بستگی دارد اما به طور عام، پایه پولی یکی از مهمترین شاخص های ارزش گذاری پول و مهم ترین جزء متغیر نقدینگی محسوب می شود و تغییرات آن تاثیر چند برابری در میزان نقدینگی دارد لذا اهمیت زیادی در مباحث پولی را به خود اختصاص داده است، به عبارت دیگر هر افزایشی در رقم پایه پولی به میزان بیشتری که معادل با «ضریب افزایش پولی» است به افزایش چند برابری در رقم نقدینگی منجر می شود. در اقتصاد کنونی ما و با ماخذ سال ۱۳۹۱ ضریب فزاینده پولی در حدود ۴/۹ است که هر یک ریال افزایش در پایه پولی، تقریباً ۵ ریال نقدینگی را افزایش می دهد. اینکه دکتر حسن روحانی می گوید ۴۰ هزار میلیارد تومان از طریق یک خط اعتباری مستقیم از بانک مرکزی برای اجرای طرح مسکن مهر از پایه پولی یا همان پول قدرتمند بانک مرکزی خارج شده است می توان چنین گفت که ۲۰۰ هزار میلیارد تومان پول به صورت نقدینگی وارد بازار شده است که خود تورم زاست.

\* سنجش و تعریف پایه پولی

پایه پولی را می توان بر اساس «منابع» یا «مصارف» بانک مرکزی تعریف کرد که در تعریف منابع، دارایی های بانک مرکزی و در تعریف مصارف، تعهدات این بانک لحاظ می شود، اما تعریف رایج تر همان تعریف منابع و محاسبه اجزای دارایی های بانک مرکزی است. به طور کلی دارایی هایی بانک مرکزی کشور ما به دو گروه گسترده دارایی های خارجی و دارایی ها داخلی تقسیم می شود، در گروه دارایی های خارجی، دارایی های طلا و ارز بانک مرکزی و در گروه دارایی ها داخلی، دو مولفه مهم مطالبات بانک مرکزی از بخش دولتی و مطالبات بانک مرکزی از بانک ها قرار می گیرد، همچنین سایر اجزای دارایی های بانک مرکزی در گروهی به نام «خالص سایر اقلام» جای می گیرد، به این ترتیب حساب های کلان پایه پولی بانک مرکزی مشتمل بر چهار جزء اصلی «خالص دارایی های خارجی»، «خالص مطالبات از بخش دولتی»، «مطالبات از بانک ها» و «خالص سایر اقلام» تعریف می شود.





شماره ۱۴۳ - آذر ۱۳۹۲

مقاله تحلیلی - بررسی دو نگرش

رئیس مجلس شورای اسلامی: رسانه‌ها در جلوگیری از مصرف بی‌رویه سموم و کودهای شیمیایی

کمک کند

مدیر سازمان صدا و سیما: سلام، صبح بخیر، مردم بیابید کود و سم بخرید

نویسنده‌ی این دو مطلب با هشیاری این دو تیتر متضاد را مقابل هم قرار داده است. در جایی دکتر لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی می‌گوید:

ناهنجاری موجود در بخش کود و سم و استفاده نامناسب از آنها باعث شده که سلامت مردم در خطر قرار گیرد. رئیس مجلس شورای اسلامی تصریح می‌کند: آمارهای مختلفی از مصرف بی‌رویه سموم و کودهای شیمیایی به مجلس رسیده که این امر نشان می‌دهد باید عزم عمومی در این مسیر به کار گرفته شود که در این راستا رسانه‌ها می‌توانند کمک کنند.

لاریجانی یادآور می‌شود: اگر نیاز به سرمایه‌گذاری باشد، مجلس حاضر است از منابع مختلف سرمایه لازم را برای جلوگیری از مصرف بی‌رویه سموم و کودهای شیمیایی به کار گیرد. وی تأکید می‌کند: آمادگی داریم برای اصلاح روند فعلی، قوانین جدیدی در مجلس تدوین یا قوانین موجود را اصلاح کنیم. لاریجانی از تصویب چند قانون در بخش کشاورزی طی سال‌های گذشته خبر می‌دهد و اظهار می‌کند: مجلس آمادگی دارد که به بخش کشاورزی نگاه ویژه داشته باشد، چرا که یکی از ارکان استقلال کشور توجه به تولید در بخش کشاورزی است.

و در برابر رسانه ملی، تقریباً هم‌زمان با طرحد موضوع فوق‌الذکر از زبان رئیس مجلس شورای اسلامی به گونه‌ای عمل می‌کند که شرح آن را عیناً به روایت نویسنده می‌خوانید:

روز یکشنبه برابر با ۲۴ آذر ماه به طور اتفاقی قسمتی از برنامه صبح بخیر ایران را نگاه می‌کردم، دبیر انجمن وارد کنندگان سموم و کود به مدت ۸ دقیقه با زبان شیرین فارسی برای تبلیغ نمایشگاهی آن هم در بوستان گفتگو در قلب شهر تهران صحبت می‌کرد که قرار است هنر تمامی وارد کنندگان سم‌های خارجی و کودهای مشابه را به نمایش بگذارد، ایشان در همدلی و هم‌زبانی کم‌نظیری با مجری جوانی که خود می‌گفت هیچ تخصصی در این زمینه ندارد، می‌گفت: «این اولین نمایشگاه از این دست است» که البته نمایشگاه در هر موضوع از جمله «از این دست» اصلاً عجیب و قابل‌تقد نیست، بالاخره کود و سم وجود دارد، در کشاورزی مصرف می‌شود و در عرصه تولیدات کشاورزی هم در صورت رعایت استانداردها و ضوابط می‌تواند مفید باشد، مسئله‌ای نیست بحثی هم ندارد، ولی از آقای ضرغامی و مجری جوان بی‌تخصص باید پرسید دعوت از دبیر انجمنی که می‌خواهد نمایشگاهی در زمینه موضوعی که اصلاً مصرف عام برای مردم ندارد، در یک برنامه پر بیننده چه صیغه‌ای است؟

اعلام مداوم مجری و آقای سید مهدی حسینی یزدی مبنی بر دعوت مردم برای بازدید از این نمایشگاه که حداکثر ۵۰ تا ۶۰ شرکت غرفه‌گذار خواهد داشت برای چیست؟ مردم بیابند چه چیز را نگاه کنند؟ مگر همه مردم می‌دانند کود و سم چیست؟ از کجا معلوم که این سموم از جمله سمومی نباشند که حتی ورود آنها به کشورهای بسیار عقب‌افتاده آفریقای سالیهاست ممنوع شده است؟ آیا مردم در یک برنامه تلویزیونی پر بیننده به مدت حداقل ۸ دقیقه دعوت می‌شوند که بیابند کود و سم کشاورزی بخرند؟ آیا اصلاً موضوع این نمایشگاه ربطی به مصرف کنندگان عام دارد؟ آیا تبلیغ





آشکار برای یک نمایشگاه که بازدید کنندگان تخصصی خاص و بسیار محدود دارد در صدا و سیما که یک نهاد ملی نامیده می شود و متعلق به بخش خصوصی نیست، موضوعیت دارد؟ آیا کاسه ای زیر نیم کاسه است؟ آیا این برنامه به ظاهر عام اطلاع رسانی حق دارد برای یک نمایشگاه خاص که شاید حداکثر ۱۰۰۰ بازدید کننده داشته باشد این همه بر سر و سینه بزند؟ آخر کسی نیست از مجری و آقای سید مهدی حسینی یزدی دبیر انجمن وارد کنندگان سم و بذر سوال کند چند کشاورز در کشور وجود دارند که خود تصمیم می گیرند برای مقابله با این یا آن آفت کدام سم و چه مقدار از آن را باید مورد مصرف قرار دهند؟

مجری که هیچ، می گوید تخصص و حتی اطلاعی در این زمینه ندارم! ولی آیا ایشان، که حتماً متخصص است، نمی داند که توزیع سموم و کود در چارچوب برنامه های ترویجی وزارت جهاد کشاورزی است و واردات و تولید داخل این اقلام نیز حسب تشخیص کارشناسان و طبق برنامه و الگوی کشت در مناطق مختلف توزیع می شود؟

آقای ضرغامی و مدیران پخش صدا و سیما پاسخ دهند که این دست برنامه ها با اخذ پول و تبلیغاتی، اطلاع رسانی و یا ضروری است؟

اگر اطلاع رسانی است چرا سایر نمایشگاه های کشاورزی از جمله نمایشگاه هایی که محصولات و فرآورده های نهایی را عرضه می کنند از صدا و سیما تبلیغ و اطلاع رسانی نمی شوند؟ حرف و حدیث از بی توجهی صدا و سیما به کشاورزی مملکت بسیار است ولی حتماً پخش این مصاحبه تماماً تبلیغاتی حکمتی دارد که در عقل ناقص ما نمی گنجد و البته صدا و سیما هم یک ابر نهاد است که هرگز خود را ملزم به پاسخگویی نمی بیند!



شماره ۱۴۳ - آذر ۱۳۹۲

مقاله تحلیلی

آیا وزیر اقتصاد و دارایی شناختی کاربردی از عرصه اقتصاد کشاورزی دارد؟

نویسنده این بار هم بابرسی جایگاه اقتصاد کشاورزی در اقتصاد کلان کشور و بی توجهی دست اندر کاران و تصمیم گیرندگان مرتبط با کشاورزی در این میان زبان به انتقاد گشوده و می گوید:

مشخص نیست چرا دست اندر کاران کشاورزی به ویژه مسئولان و تصمیم گیرندگان مرتبط به کشاورزی رخدادهای اقتصادی و سیاست گذاری های عمده بازرگانی و اقتصادی را غیر مرتبط با کشاورزی می دانند و بر این تصورند که هر اتفاق یا سیاستی که در حوزه اقتصاد کلان کشور رخ دهد الزاماً ربطی به کشاورزی ندارد و کشاورزان جدا از این مسائل باید کار خودشان را دنبال کنند، مشخص نیست چرا وزیر جهاد کشاورزی و معاونان وی، مدیران کل استانها و به ویژه معاونتی با عنوان برنامه ریزی و اقتصاد در مقابل آنچه که در حوزه اقتصاد اتفاق می افتد بابتی یا سکوت بر خورد می کنند، انگار فعل و انفعالات فرایند کشاورزی از ابتدا چه در حوزه تامین نهاده ها و چه در عرصه عرضه محصولات به بازار، یک دایره بسته در خود است که از شرایط تحولات اقتصادی و بحران های ناشی از آن متأثر نیست، نبوده و نخواهد بود، سیاست گذاری، اجرا، تصمیم گیری، پخش نامه ها و دستورالعمل های دولتی خارج از اینکه در دنیای عیناً موجود اقتصاد جهانی یا اقتصاد کلان داخلی چه می گذرد اتخاذ، ابلاغ یا اعلام می شود.

گویا مسئولان و صاحب نظران بر این باورند که چرخ تولیدات کشاورزی بدون تعریف جایگاه مشخصی در عرصه اقتصاد عمومی نیز خود به خود می چرخد، اصرار عجیبی وجود دارد که مشکلات کشاورزی را

در درون خود بخش کشاورزی مورد ارزیابی قرار دهند و در داخل بخش راه حلی برای آن پیدا کنند. گرچه بخشی از بحران‌ها و نوسانات قیمت، تولید، عرضه و کمبودها به حلقه‌های درونی تولید فرآورده‌های دام و طیور یا محصولات باغبانی و زراعی مرتبط است اما باید باور کنیم که کشاورزی بخش عمده‌ای از اقتصاد کلان کشور و حدود ۲۲ تا ۲۵ درصد آن است و در عین حال، یک اقتصاد مولد ضد تورمی و حتی ضد رکود تورمی است زیرا زاینده‌گی درونی دارد، متحرک و پویاست و به دلیل ماهیت سریع الفساد بودن تولیدات و نیاز به مصرف مداوم آنان، ایستایی که منشا رکود است ندارد پس موضوع کشاورزی همچون هر فعالیت اقتصادی دیگر متاثر از شرایط اقتصادی داخلی و بحران‌های اقتصادی است.

**نویسنده در پایان می‌اندیشد:**

به نظر می‌رسد که وزارت جهاد کشاورزی در قالب معاونت برنامه‌ریزی و اقتصادی دوش به دوش بخش‌های اقتصادی از جمله وزیر اقتصاد و دارایی، بانک مرکزی و نهادهای دیگر مرتبط وضعیت و شاخص‌های عمده بخش را تحقیق و مطالعه و ماهیانه انتشار دهد. انتشار و اعلام این شاخص وضعیت ساختار تولید و بازرگانی اقتصاد کشاورزی را برای سرمایه‌گذاری یا اتخاذ تصمیم‌های اصلی و عمده برای بخش شفاف و واقعی می‌کند.



شماره ۱۴۳ - آذر ۱۳۹۲

مقاله

**آقای حجتی! ۱۰۰ روز شما هم تمام شد**

این مقاله همان‌طور که از عنوانش پیداست پیرو گزارش عملکرد ۱۰۰ روزه دولت یازدهم نوشته شده است. نویسنده در ابتدا با گریزی به وضعیت عمومی کشور از قول مردم می‌نویسد: مردم در کمال سکوت و با خود زمزمه می‌کنند به راستی وضعیت زندگی و معیشت ما که قرار بود توام با چرخ سانسنتریفیوژها بچرخد چگونه است؟ وی سپس به بخش کشاورزی باز می‌گردد و می‌گوید:

آنچه که در ۱۰۰ روز اداره امور توسط مهندس حجتی انجام شده فقط اقدامات کمی، عاجل و البته لامحاله بوده‌اند، ظاهراً هیچ اقدامی ناشی از سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و یا نشانه‌ای از اینکه قرار است دیدگاه‌ها نسبت به وضعیت کشاورزی کشور تغییر کند در میان نیست و این بسیار نگران‌کننده است زیرا آنچه که انجام شده همانهایی است که دکتر حسن روحانی در برنامه‌های انتخاباتی خود کم و بیش به آنها اشاره کرد و خود مهندس محمود حجتی نیز به هنگام اخذ رای اعتماد از مجلس به عنوان نارسایی‌های حاد مورد اشاره قرار داد، مهندس حجتی حتی در گفتار اشاره‌ای به پایه‌های ویران کشاورزی نمی‌کند حال آنکه وظیفه اصلی و بنیادی یک وزارت خانه فقط حل مشکلات عاجل و روزمره نیست وزارت جهاد کشاورزی باید برای ۱۰۰ روز آینده سیاست‌های کلی در مسیر حل مشکل کمبود آب کشاورزی، بهینه‌سازی مصرف آب در قالب گسترش سامانه‌های نوین آبیاری، تامین نقدینگی و مقابله با کمبود نقدینگی در بخش کشاورزی و نهایتاً برنامه‌های کشت و باغبانی در سال زراعی آینده همچون گندم و غلات و سایر موارد و میزان تولید گوشت مرغ، تخم مرغ، شیر، گوشت قرمز و بسیاری از آنچه که تقریباً در این ۱۰۰ روز فراموش شده است را در رسانه‌ها به ویژه رسانه‌های تخصصی اعلام و برنامه‌های اجرایی آن را تعریف کند.





**توافقات ژنو و تاثیر آن بر بخش کشاورزی**

این مقاله همان طور که از عنوانش پیداست پیرامون توافقات ژنو نوشته شده و می گوید:

پیش از این نیز در حوزه دیپلماسی عمومی جهان موضوع تحریم غذا و نهاده هایی که منجر به تولید غذا بودند در عرصه اقدامات بشر دوستانه حتی اگر ادعایی ظاهر باشد محکوم بود، یعنی هیچ قدرت جهانی به دلیل ترس از محکومیت افکار عمومی نمی توانست و البته ابراز نکرده بود که ایران را تحریم غذایی می کند چه بسا که در اوج تحریم ها کشور ما توانست از کشورهای عمده تحریم کننده گندم وارد کند، موضوع تا حد زیادی نقل و انتقال پول از سامانه جهانی بانک بود که با تحریم کد سوئیفت امکان خرید مستقیم و یا نقل و انتقال پول وجود نداشت، بانک ها در سایه تحریم حتی نمی توانستند بابت صدور غلات، گندم، مواد غذایی، داروهای دامپزشکی یا صنایع و تکنولوژی کشاورزی پولی وارد و بدل کنند و با این که این موضوع در یک دیپلماسی فعال همان هنگام نیز قابل مذاکره و رفع مشکل بود، ولی نوعی اصرار پنهان در دولت دهم وجود داشت که نشان دهند موضوع دارو و مواد غذایی نیز جزء تحریم هاست.

**نویسنده در ادامه پیش بینی می کند:**

به هر حال باید گفت تاثیر توافقات ژنو که با تاکتیک همه توافقات یا هیچ توافقی پیش می رود منحصر به کاهش قیمت تمام شده ۱۵ درصدی نهاده ها نیست، سود و کاهش قیمت نهاده های دام و طیور، کود، سم، بذر، مواد اولیه تکنولوژی صنایع کشاورزی، مواد اولیه مورد نیاز در بخش های مختلف در شرایط کاهش دامنه تحریم ها برای بخش کشاورزی بیش از اینهاست ضمن اینکه نباید بهبود روند صادرات محصولات کشاورزی و سهولت نقل و انتقال آنها و بیمه کشتی رانی و دهها موضوع دیگر را در سایه رفع تحریم ها فراموش کنیم. بدون تردید توافقات نهایی که با گفتگوهای دور آخر وزرای خارجه در ژنو آغاز شده اگر در پایان ۶ ماه تا یک سال آینده به نتیجه برسد برای کشاورزی کشور بسیار بیش از سایر بخش ها ارزانی و وفور به دنبال دارد، زیرا استتنا بودن غذا و کشاورزی عرصه ساده تری را برای اقتصاد و بازرگانی این بخش فراهم می سازد.

**قوانین و مقررات کشاورزی شمشیرهای چوبین نیستند اجرای آنها را جدی بگیریم!**

در این سرمقاله، با عطف به شماره ۱۲۲ اسفند ۱۳۹۰ مجله دامپروان که به موضوعی مشابه عنوان سرمقاله پیش رو پرداخته آمده است:

در همین مقاله اسفندماه ۱۳۹۰ نوشته ایم: «... دردمندان باید گفت، بسیاری از قوانین و مقررات مصوب در بخش کشاورزی، به مثابه پهلو انانی پرابهت و طمطراق ولی باشمشیرهای چوبین جایگاه تعیین کننده ای در عرصه اجرا ندارند و کسی این قوانین و مقررات را جدی نمی گیرد!»

**نویسنده به زمان حاضر (دی ماه ۱۳۹۲) برمی گردد و می گوید:**

اینک با گذشت دو سال و تصویب قانون جدیدی در ۵ ماده موسوم به «قانون انتزاع» در جلسه علنی ۱۳۹۱/۱۲/۲۴

شاهد پیگیری جدی مجلس به ویژه کمیسیون کشاورزی آن از یک سو و وزیر جهاد کشاورزی دولت یازدهم تا مرحله مناقشه و استیضاح هستیم. این تحول امیدوارکننده است.

این که این قانون چیست و چقدر اهمیت دارد که در حاشیه اجرای هر چند با تعلل بسیار آن، این همه مناقشه برانگیخته یک بحث است و موضوع دیگر پیگیری و جدیت مهندس حاجتی وزیر جهاد کشاورزی مبنی بر اجرای آن است، براساس ماده ۴ این قانون، شرکت پشتیبانی امور دام با کلیه وظایف، اختیارات، نیروها و امکانات از وزارت صنعت و معدن و تجارت منتزع و به وزارت جهاد کشاورزی ملحق می گردد.

**منصور انصاری اعتقادات خود نسبت به موضوع مورد بحث را چنین جمع بندی می کند:**

این فرصت تاریخی کم مانند که برای وزارت جهاد کشاورزی فراهم شده است مسئولیت این وزارتخانه را در مقابل مردم و مصرف کنندگان ۷۵ میلیونی بسیار حساس و افزون می سازد. اگر این وزارتخانه موضوع را در حد همین مناقشه و کشمکش برای دست یابی به اختیارات بیشتر طبق بند ۵ این قانون ببیند و تکلیف را بر خود تمام بداند باید گفت نه تنها این وزارتخانه با شکستی تاریخی و جبران ناپذیر مواجه خواهد شد بلکه کشاورزی و صنایع غذایی کشور نیز آسیب جدی خواهند دید، زیرا عدم پیش بینی بودجه و اعتبارات لازم، سازماندهی بازرگانی در خور، عدم جلب مشارکت صاحبان صنایع غذایی و تبدیلی و همچنین تاسیس معاونتی کاملاً تخصصی با عنوان «معاونت بازرگانی»، این قانون را همچون سایر قوانین معطل مانده بخش کشاورزی به شمشیری چوبین در دست پهلوانی پنبه ای تبدیل خواهد کرد، لازم است یادآور شویم سه قانون مصوب دیگر داریم که وزارت جهاد کشاورزی هنوز برای آنها آئین نامه اجرایی تدوین نکرده است: قانون نظام جامع دامپروری کشور، قانون افزایش بهره وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی و قانون تعیین تکلیف چاه های آب فاقد پروانه بهره وری. پس لازم است وزارت جهاد کشاورزی از چنبره روزمرگی و دخالت بیش از حد در امور فعالان تولیدی خود رانجات دهد، با اعتماد و اعطای اختیارات بیشتر به تشکل های مرتبط و مشارکت واقعی آنان در تصمیم گیری ها و تصمیم سازی ها هم و غم خود را مصروف تحقق اهداف قوانین مصوب سازد، از پیامک پراکنی و خبر بازی و خبر سازی فاصله بگیرد و نهایتاً چون رودی آرام و عمیق موضوع آموزش، ترویج، تحقیق و کوتاه کردن فاصله میان نتایج تحقیقات با مزارع تولیدی را سرلوحه کار خود قرار دهد. وزارت جهاد کشاورزی در این مقطع از حیات خود نیاز مبرم دارد قوانین مصوب را به نفع کشاورزان و کشاورزی کشور سفت و محکم بگیرد و اجرا کند و در مسیر تولید فکر و اندیشه و گسترش آنها بکوشد.



شماره ۱۴۴ - دی ۱۳۹۲

**مقاله تحلیلی**

**اجرای طرح بازرگانی اینترنتی اقدامی تحول ساز یارانتی بر سر رانت های دیگر**

این مقاله مؤجز بانگهای دقیق و موشکافانه به موضوع اینترنتی شدن در صنعت مرغداری پرداخته و در عین حال که آن را فرآیندی نوپا در کشور نمی داند به ذکر سابقه این پدیده در ایران و جهان، تعریف زنجیره تامین، اشکالات اجرایی، راهکارهای اجرای بهینه و دیگر تجزیه تحلیل هادر این زمینه در سر فصل هایی مجزا پرداخته است. در این مقاله می خوانید:

- تعریف (integration)، زنجیره تامین

- سابقه پدیده زنجیره تامین در جهان





- حلقه‌های فرآیند تولید گوشت مرغ و تخم مرغ
- اینترنتگیشن ختم به صادرات می شود
- ما چه کار کرده‌ایم و چه کار می‌خواهیم بکنیم
- ابلاغیه شتاب زده معاونت امور دام برای اجرای اینترنتگیشن به استان‌ها
- اعتبار ۱۵۲ میلیارد تومانی، رانتهی میان سایر رانته‌ها
- معاونت امور دام می‌توانست مرغداری‌های کوچک را از طریق تشکل‌ها به سوی زنجیره تأمین هدایت کند
- احتمال گسترش اینترنتگیشن‌های قلابی
- دم‌خروس وقتی آشکار می‌شود که قیمت مرغ تغییر چندانی نکند
- آیا کشتارگاه‌ها از این تصمیم تمکین می‌کنند
- دولت یازدهم با قول مشارکت تشکل‌ها به میدان آمد
- راهکارها و بازگشت از اشتباه

**در این مقاله آمده است:**

مجله دامپروان، به کرات طی بحث‌های تحلیلی خود یا از قول صاحب‌نظران، طی شمارگان گذشته درباره ضرورت اتخاذ شیوه‌هایی که می‌تواند حلقه‌های زنجیره تولید را در مسیر عرضه و تقاضای بازرگانی در یک فرآیند، به هم متصل و پیوسته نماید، مقالات و گزارش‌های مختلفی نوشته است. گفته می‌شود integration در ابعاد عظیم و تأثیرگذار بر «تمامی فرآیند بازار گوشت مرغ»، در کشور آمریکا حدود ۵۵ سال پیش اتفاق افتاده است و غول‌هایی همچون «پل‌گریت پراید» در سال‌های میان ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹ بالغ بر ۲۵ درصد کل تولید گوشت مرغ آمریکا را با یک قیمت تقریباً ثابت در چارچوب موسسه خود و در قالب اجرایی integration به بازار عرضه می‌کرده است. مجله دامپروان پیشنهاد می‌کند مبلغ اعتبار تخصیص داده شده به صورت متمرکز در اختیار «صندوق حمایت از توسعه طیور کشور» قرار داده شود و صندوق در قالب قرارداد تحویل گوشت و اینترنتگیشن‌هایی که قادر هستند با قیمت ارزان‌تر گوشت مرغ را تحویل دهند فضایی رقابتی فراهم سازد. تخصیص این اعتبار به صورت پراکنده و غیر متمرکز دامنه و دقت نظارت را کاهش می‌دهد و دوغ و دوشاب قاطی می‌شود. چه بسا آنان که با مرارت و دشواری و صرف هزینه و دانش فنی، سامانه اینترنتگیشن را اجرا کرده و آنچنان هم که باید بهره‌مند نمی‌شوند، در کنار کسانی قرار بگیرند که انواعی غیر موثر از اینترنتگیشن را با عقد قراردادهای صوری سرهم‌بندی می‌کنند. یکی از هنرهای فضای رانتهی، آمارسازی و آماربازی است. خبر هنوز به طور کامل انتشار نیافته که دهها اینترنتگیشن تشکیل شده است. بایک برگ قرارداد صوری یک اینترنتگیشن تشکیل می‌شود تا از لحاف ملانصرالدین طرفی بسته شود.



شماره ۱۴۵ - بهمن ۱۳۹۲

سرمقاله

**با اجرایی شدن قانون انتزاع، چگونگی تنظیم بازار پرورش اساسی از وزیر جهاد کشاورزی خواهد بود**

نویسنده در مطلع مقاله آورده است:

با تأکید بر اجرای مواد پنجگانه قانون موسوم به انتزاع و با استناد به ماده ۱۶ قانون افزایش بهره‌وری وزارت جهاد

کشاورزی از نظر اختیارات قانونی به طور کامل و تمام عیار مسئول تنظیم بازار تمامی فرآورده‌های کشاورزی اعم از زراعت، باغبانی، صیفی، سبزی، گوشت مرغ، تخم مرغ، گوشت قرمز، شیر و فرآورده‌های لبنی، آبیان، قند، چای، شکر، پیله ابریشم، روغن و دانه‌های روغنی در ابعاد مختلف از جمله تجاری، اعم از صادرات و واردات و... خواهد بود.

به زبان ساده، وزارت جهاد کشاورزی از یک سو باید پاسخ تولید و تولیدکنندگان اعم از آن دسته که تولید اقتصادی می‌کنند و آنان که تولید سنتی و معیشتی دارند را بدهد و از انتهای زنجیره، نیاز مصرف را در ابعاد کمی، کیفی و قیمت برآورد و برای عرضه و توزیع پیش‌بینی‌های لازم را اتخاذ کند.

#### وی سپس به تشریح این وظایف و بایسته‌های اجرای آن می‌پردازد و می‌گوید:

این فرآیند پیچیده و پرفراز و نشیب در ۵ حلقه اساسی تعریف می‌شود؛ در ابتدا «تحقیقات علمی ژنتیکی» برای ژن‌های پر بازده در تمامی زیربخش‌های کشاورزی اعم از گیاه تا موجود زنده، دوم تهیه و تدارک خدمات پیش از تولید برای حمایت از تولید داخل، سوم تهیه و تامین شرایط برای عرضه محصولات تولید داخل به بازار که خود فرآیندی تمام عیار است و شاخه‌ها و زیرمجموعه‌های بسیاری را شامل می‌شود، چهارم حلقه واردات به شرح مفاد قانون و کالاهایی که مجوز آنها در اختیار وزارت جهاد کشاورزی قرار گرفته و پنجم حلقه نهایی مشاهده بازار از بیرون و هماهنگی میان تولید داخل و ارزیابی متناسب با نیاز مصرف برای برطرف کردن کمبودهایی که می‌تواند بازار داخل را در تمامی ابعادش آشفته و مضطرب نماید.

#### نویسنده در ادامه می‌افزاید:

ماهیتاً «بازار محور» یا «بازار بنیاد» است اعم از ارزیابی هزینه و فایده با قالب تعیین میزان بودجه تحقیقات تا آنجا که مصرف‌کنندگان یعنی مردم از تنظیم بازاری که مسئولیتش به وزارت جهاد کشاورزی واگذار شده راضی باشند یا اعتراض و نارضایتی خود را به اشکال مختلف بروز دهند و البته همه اقتصاددان‌ها نیز می‌دانند کلید واژه بازار در حوزه مصرف به ویژه محصولات کشاورزی و مواد غذایی «قیمت» است و شاخص قیمت هم متناسب با حداقل دستمزدها به عنوان «گرانی»، «ارزانی»، «مناسب» یا «نامناسب» ارزیابی می‌شود، این پرسش که مصرف‌کنندگان در دهک‌های پائین قدرت خرید دارند یا ندارند شاه‌بیت این غزل طولانی خواهد بود و یک وزارتخانه «تولید بنیاد» به وزارتخانه‌ای با درگیری‌ها همه جانبه بازرگانی و در مسیر تنظیم بازار تبدیل و تعریف می‌شود.

#### منصور انصاری نویسنده سرمقاله حاضر، در پایان ضمن هشدار گونه‌ای به وزارت جهاد کشاورزی می‌گوید:

دیگر الزاماً و به طور اخص وزیری برای تولید نیست، وزیری است برای تنظیم بازار با ماهیتی «بازرگانی محور» گرچه به صورت دوگانه و پیش از این نیز این وزارتخانه در مقابل نوسانات قیمت محصولات کشاورزی و فرآورده‌های دام و طیور همانند تخم مرغ و گوشت مرغ ملزم به پاسخگویی به کلیه نهادهای ناظر از جمله مجلس بود و با اولین تکانه قیمتی احضارها و پرسش‌ها در اشکال و ابعاد مختلف به میان می‌آمد و به واقع نیز عیار خوب عمل کردن و بدعمل کردن، پیش از آنکه در حوزه تولید مورد مذاقه قرار گیرد در عرصه مصرف بود، اما این بار موضوع کاملاً دگرگون و متفاوت شده است، در سال‌های پیش رو پاسخ چگونگی تنظیم بازار اصلی‌ترین پرسش از وزیر جهاد کشاورزی و معاونان وی در بخش‌های مختلف خواهد بود.

این بحث وقتی برجسته‌تر می‌شود که دولت یازدهم در کنار بسیاری مسائل، به طور عمده وعده‌هایی برای بهبود معیشت مردم نیز داده است.



مقاله تحلیلی

نماینده مجلس، «ویژه خوار» ۶۵۰ میلیون یورویی و حکایت‌های پشت صحنه

موضوع این مقاله، حکایت بازرگانی است که در مقطع تابستان ۹۲، زمانی که به قول نویسنده جنگ دریایی سهمگین کشتی‌های پهلو گرفته مملو از کنجاله سویا و ذرت و نهاده‌های دامی و بحران عمیق در صنعت دام و طیور کشور منبعت از تحریم‌ها جریان داشت، توانسته بود طی نامه‌ای ممه‌ور به مهر محرمانه به طور ویژه مبلغ ۶۵۰ میلیون یورو با نرخ مبادله‌ای و مجوز وزارت صنعت، معدن، تجارت از بانک مرکزی دریافت کند. نویسنده سپس به یکی از نمایندگان مجلس می‌پردازد که سفت و سخت بر موضوع فوق پای فشرده می‌گوید:

این نماینده ذکری نمی‌کند که این تاجر، با تضمین «دریافت اعتباری» این مبلغ و از سرمایه خود توانست بالغ بر ۵۰ کشتی که به صورت روزانه (گفته می‌شود بالغ بر ۵۰۰ میلیون دلار) دموارژ، یعنی همان خسارت دریافت می‌کردند را ترخیص و محموله‌های آنها را با سرعتی اطمینان بخش به مزارع مرغداری و دامداری کشور که صدایشان گوش فلک را کر کرده بود برساند.

منصور انصاری می‌افزاید:

همه می‌دانند که همین مجلس نهم تکلیف کرده بود که در سال ۱۳۹۲ برای هیچ کالایی ارز مرجع ۱۲۲۶ تومانی تخصیص داده نشود و همه البته می‌دانند همان دولتی که هر وقت می‌خواست از قوانین مجلس سرپیچی و تمرد می‌کرد، این یکی را درست موقعی اجرا کرد که می‌دانست قرار است دولت را تحویل دهد تا هیچ تاجری نتواند کالاهایی که با نرخ ارز ۱۲۲۶ تومان ثبت سفارش کرده است را با ارز مبادله‌ای ۲۴۷۷ تومانی (یا همان ۲۵۰۰ تومانی) ترخیص نماید.

نویسنده ادامه می‌دهد:

نماینده‌ای که به زعم خود انگشت بر این ویژه خوار ۶۵۰ میلیون یورویی گذاشته می‌گوید؛ این رقم چون انحصاری و اختصاصی بوده است اشکال دارد و در ادامه، شکایت و شکایت بازی، صحن علنی و غیر علنی، کمیسیون‌های مربوط و احضار وزیر صنعت، معدن، تجارت به مجلس که چرا فقط این یکی خورده و دیگران بی نصیب بوده‌اند و توضیحات این وزیر که چه بوده و چرا ویژه داده‌ایم نتوانست نماینده‌ای که خود سال‌هاست با ذرت دانه‌ای و کنجاله سویا و بازار آنها آشنایی دارد را متقاعد کند. همین نماینده‌ای که حالا، این تاجر ویژه خوار ۶۵۰ میلیون یورویی را علم می‌کند، خود زمانی طالب افزایش تعرفه کنجاله سویا بود، که نتیجه آن موجب افزایش قیمت کنجاله سویای داخلی می‌شد و همین نماینده حق طلب، حق جو، ضد رانت و ضد ویژه خواری که توضیحات «نعمت زاده» وزیر صنعت، معدن تجارت را شنیده است و حتی از بخش نامه‌ای که اختیار و امتیاز واردات را برای همه تجار، تشکل‌های مرغداری و دامداری، صندوق‌ها و قس علیهذا همگانی کرد اطلاع دارد. این نماینده می‌گوید قصد سیاسی کردن موضوع را ندارد و حتماً بحث اختلاف شخصی بر سر کنجاله سویا نیز در میان نیست، ولی آنچه امروز انحصار، ویژه خواری، رانت یا تبعیض و تفاوت خوانده می‌شود متاخر نیست، اگر بوده و این نماینده در ادعای خود صادق است باید گفت سال‌های سال است که این موضوع وجود داشته و دارد.

ادامه ماجرا، خاطرهای نوستالژیک از سال‌های ابتدایی پایان جنگ و پدر تاجر مورد بحث است که در مجله شماره ۱۴۵ نگاشته شده است.



مقاله تحلیلی

کشاورزی پندار گرایانه و خواب‌هایی که تعبیر خوبی ندارند!

مقاله مورد نظر انتقادی است از وضعیت اعلام آمار و ارقام در بخش کشاورزی که نویسنده می‌گوید:

اینک همگان و در سطوح مختلف از جمله مهندس حجتی وزیر جهاد کشاورزی و بسیاری از معاونان برگزیده ایشان که شناخت عمیق از کشاورزی کشور دارند بر نابسامانی آن انگشت می‌گذارند، اما همین ۶،۵ سال پیش بود که بسیاری با اعلام این گونه آمار و ارقام جعلی و مبالغه‌آمیز، به به و چه چه می‌کردند و با آب و تاب در مصاحبه‌ها بر خود می‌بالیدند که ببینید ما این هستیم! کار تا آنجا پیش رفته بود که اگر آماری نشان از ۲۰ درصد افزایش نسبت به سال قبل نداشت حق اعلام و انتشار نمی‌یافت.

نویسنده در ادامه می‌افزاید:

در آن سالهای سیاه آماری، مقاله‌ای در شماره ۱۰۷ دامپروان، آذرماه ۱۳۸۹ یعنی بیش از ۳ سال پیش چاپ کرده‌ایم که نوع برخوردی بسیار تیزبین و حائز اهمیت دارد و در میان آن همه تأییدها و تشویق‌ها توصیه می‌کند که آمار درست و واقعی بدهیم. به هر حال، در این روزها هم همه این موضوع را باز با آب و تاب مطرح می‌کنند ولی آن زمان اکثر کارشناسان و مدیران ترجیح می‌دادند حرفی نزنند و مابه واقع تنها بودیم، امیدواریم که این اتفاق دیگر برای ما نیفتد!

و این هم فرازهایی از مقاله:

مشخص نیست چرا عده‌ای بی اطلاع در بخش کشاورزی اصرار دارند مفاهیم و آماری نادرست و اقداماتی غیر ممکن و نشدنی را با تحلیل‌هایی کاملاً غلط و سطحی‌نگری و این تصور که به گوش دیگران نمی‌رسد یا دیگران متوجه این خودشیرینی‌ها نمی‌شوند برای اعلام عمومی و به عنوان نظرات بدیع جا بزنند و خود را با لبخندی پیروزمند که «بله» ما گفتیم و پیش بردیم پشت صحنه پنهان کنند. این افراد خود جرئت طرح این مسائل و ارزیابی‌ها را ندارند لذا سعی می‌کنند با زبان مسئولان تصمیم‌ساز و بالادست بیان گردد تا مگر کسی به طور جدی به بحث و گفتگو در این عرصه نپردازد. مثلاً گفته می‌شود که صنعت مرغداری در بخش کشاورزی با وجود ۶۰۰ هزار نفر اشتغال هنوز جا دارد و می‌تواند تعداد قابل توجهی از جوانان بیکار را جذب کند، اینگونه نظرات به دلایل متعدد علمی غلط است چرا که اگر فرض کنیم یک میلیون و ۴۰۰ هزار تن گوشت مرغ و ۷۰۰ هزار تن تخم مرغ تولید می‌شود و قیمت هر کیلو گوشت مرغ را ۳ هزار تومان و متوسط تخم مرغ را ۱۰۰۰ تومان محاسبه نماییم، در طول یک سال قیمت این تولیدات به ۴ هزار و ۹۰۰ میلیارد تومان (گوشت مرغ و تخم مرغ) بالغ می‌شود. حال اگر فرض کنیم ۶۰۰ هزار نفر در مراحل مختلف تولید، عرضه، حمل و نقل، صنایع کشتار گاهی و واحدهای صنفی مشغول به کارند و هر کدام هم به طور متوسط ماهیانه حداقل حقوق، یعنی ۳۰۰ هزار تومان دریافت کنند، صنعت مرغداری سالیانه رقمی بالغ بر ۲ هزار و ۱۶۰ میلیارد تومان دستمزد پرداخت می‌کند که این رقم نسبت به کل ارزش تولید گوشت مرغ و تخم مرغ و فروش آن (۴ هزار و ۹۰۰ میلیارد تومان) حدود ۴۵ درصد از کل محموله را شامل می‌شود.

به عبارتی، از هر کیلو گوشت مرغ که به دست مصرف‌کننده می‌رسد ۱۳۵۰ تومان آن بابت دستمزد پرداخت می‌شود، شکی نیست هر تحلیل‌گر اقتصادی خواهد گفت یا این رقم ۶۰۰ هزار نفر اشتغال یک رقم غیر واقعی است یا اینکه این صنعت دیگر جایی برای اشتغال ندارد و افزایش اشتغال یعنی افزایش



دستمزد و بالا رفتن قیمت تمام شده که همانند سم تلقی می شود. حال اگر کسی بگوید که این صنعت ۲۰ درصد دیگر ظرفیت اشتغال دارد یک بلوف و دروغ شاخدار است و یا گوینده نسبت به مسائل ناآگاه است. در بخش کشاورزی گفته می شود کلاً ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار بهره بردار و اشتغال وجود دارد و قرار است که ضریب مکانیزاسیون از مثلاً فلان عدد افزایش یابد، معنی قابل فهم واقعی و علمی این حرف این است که تعداد قابل توجهی نیروی انسانی به دلیل حضور ماشین یا افزایش قوه اسب بخار از مزارع الزاماً باید خارج شوند، هر کسی با کمترین سواد و دانش اگر ساده لوح نباشد می داند چنانچه در یک کارخانه نساجی دستگاه های مدرن کامپیوتری و دیجیتالی نصب و راه اندازی گردد، نمی شود ۴۰۰ نفر دوک به دست نخریسی کنند و دستمزد هم بگیرند؟! اینکه گفته می شود دولت از نوسازی ناوگان کشاورزی با تجهیزات مدرن و ماشین های جدید حمایت می کند و سیستم های آبیاری در سطح ۸ میلیون هکتار زمین های آبی تا پایان برنامه پنجم گسترش می یابد و نیروی انسانی را نیز نباید کنار گذاشت سهل ممتنع است، حال اگر گفته شود علاوه بر این ۸ میلیون هکتار، ۱۶ میلیون هکتار دیگر را نیز به سیستم های آبیاری مجهز می کنیم - در حالی که همه کارشناسان از واقعی بودن همان ۸ میلیون هکتار زمین دارای آب کافی نیز تردید دارند - و تا پایان برنامه ششم زمین های کشاورزی مجهز شده به تجهیزات و ماشین آلات را به ۳۰ میلیون هکتار افزایش می دهیم، نشان از این دارد عده ای به عمد و برای خود شیرینی اطلاعات کاملاً غلط به مسئولان رده بالا می دهند و گر نه وجدان علمی کارشناسان و صاحب نظران و کسانی که از کتله مسائل کشاورزی و محدودیت های آن اطلاع دارند ایجاب می کند برای جلوگیری از انحراف واقعیت ها رایبان دارند، یک کارشناس ساده سیستم های آبیاری با اطلاع از قیمت تجهیزات یک هکتار زمین کشاورزی (بر فرض تسطیح) به هر کدام از سیستم های آبیاری می تواند در یابد برای ۱۶ میلیون هکتار زمین چقدر بودجه و اعتبار و سرمایه گذاری لازم است و آیا واقعیت این سرمایه گذاری در برنامه پنجم پیش بینی شده است یا خیر و گر نه از نظر تئوری و نظری می شود هر حرفی را زد.

فرض کنیم قصد داریم ۱۶ میلیون هکتار را به حداقل ضریب مکانیزاسیون یک اسب بخار تجهیز کنیم یعنی ۱۶ میلیون قوه اسب بخار تامین نماییم، اگر ۱۶ میلیون (H.P) را بر متوسط ۸۰ قوه اسب بخار برای هر تراکتور یا هر وسیله کششی دیگر تقسیم کنیم، نزدیک ۲۰۰ هزار تراکتور و اگر متوسط قیمت را ۳۰ میلیون تومان در نظر بگیریم حداقل ۶ میلیارد دلار لازم است، آیا برنامه پنجم چنین پولی را فقط برای خرید تراکتور از منابع داخلی و خارجی پیش بینی کرده است؟

**نویسنده در پایان می گوید:**

مسائل را باید به طور واقعی تحلیل نمود چرا که راهبردها رانمی توان بر مبنای آمار و ارقام غیر واقعی و سیاست های نادرست تدوین و اجرا کرد. گرچه در سمینارها و همایش ها حرف هایی زده می شود که به درد تقویت روحیه و خوش باشی می خورد ولی صاحب نظران و کسانی که عمر و توان خود را در بخش کشاورزی مصروف داشته اند خارج از مسائل سیاسی باید وارد بحث شوند و انحرافات آماری و دیدگاه های غیر ممکن را تجزیه و تحلیل نمایند.



شماره ۱۴۵ - بهمن ۱۳۹۲

مقاله تحلیلی

آیا اراده ای برای ایجاد تحول در ساختار کشاورزی در میان است؟

در مطلع این مقاله آمده است:



با روی کار آمدن دولت یازدهم موسوم به دولت اعتدال و با رویکرد تدبیر و امید شاهد هستیم نه تنها در عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بلکه در حوزه کشاورزی نیز سخنان متفاوتی از سوی وزیر، معاونان و بعضاً مدیران کل وزارت خانه های مختلف از جمله وزارت جهاد کشاورزی شنیده می شود حرف هایی که سالیان متمادی است از سوی منتقدان، فعالان بخش خصوصی، تولید کنندگان واقعی، مطبوعات و رسانه های غیر جناحی و کمتر وابسته به دولت بارها به اشکال مختلف متناسب با شرایط، به صورت کنایه، استعاره و گاهی شفاف و صریح بیان می شود.

**نویسنده سپس با ذکر سر فصل های جدید راه یافته به عرصه کشاورزی کشور از زبان مسئولان می گوید:**  
اما پرسش اساسی این است که این همه ایده و آرمان قرار است چگونه با چه ابزار و اهرمهایی تحقق یابد؟ حکایت تغییر ساختاری در میان است که ۳۵ سال عمل کرده و مناسبات و قرار و مدارهایی که هم اکنون منشا عمل هستند سخت و چون رسوبی محکم و ماندگار بر کالبد کشاورزی کشور در عرصه مناسبات بخش خصوصی و مهمتر از آن بر ذهن و نگرش و منافع بخش دولتی به ویژه مدیران میانی آن چسبیده است، موضوع تنظیم ساز ناکوک کشاورزی کشور و سرنوشت ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار بهره ور این بخش به تنهایی در میان نیست، بحث تغییر ساختار اقتصاد و بازرگانی مطرح است.

**نویسنده در انتها با بیان برخی واقعیت ها چنین جمع بندی می کند:**  
موضوع کشاورزی با تحولات اخیر در عرصه جهانی و در حوزه به کارگیری دانش و تکنولوژی الزاماً بحثی فنی و در درون خود نیست، عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی و بازرگانی در این حوزه دخالت دارند که عزمی ملی و راهبردی فرابخشی را می طلبد.  
وقتی کشاورزی در یک هکتار زمین - حتی با راندمان آمریکا - ۸ تن گندم به دست می آورد ولی پس از کسر هزینه های تولید، با فرض مجانی بودن آب و زمین قادر نباشد خرج زندگی یک خانواده چهار نفره با حداقل امکانات رفاهی را تامین کند، بدیهی است عشق و عرق زمین و تولید را و انواده، آلونکی در حاشیه شهر تهیه و باقی پول فروش زمینش در ازای ویلا سازی شهری های پولدار را به بانکی می سپارد تا شاید با دریافت بهره آن زندگی آسوده تری برای خود و خانواده اش رقم زند. اینها واقعیت های عریان و تحقیق شده ای هستند، موضوع باید ساختاری و فراتر از مسائل فنی و در حوزه اقتصاد و بازرگانی مورد مذاقه قرار گیرد، جز این، «هیچ کامی بانجوا حلوا حلوا شیرین نمی شود.»



شماره ۱۴۶ - اسفند ۱۳۹۲

سرمقاله

### سهام بخش کشاورزی از مرحله دوم هدفمندی یارانه ها چقدر است؟

نویسنده در مطلع سرمقاله می گوید:

ظاهر آقرار نیست کسی پرسش کند سهام بخش کشاورزی از مرحله دوم هدفمندی یارانه ها چقدر است و چگونه تخصیص می یابد، از سوی مدیران، معاونان، وزیر جهاد کشاورزی، رئیس و یا اعضای کمیسیون کشاورزی مجلس که بحثی به میان نیامده است، مدیران تشکل های سراسری نیز هر کدام به فراخور و در حال حاضر درگیر مسائل متعدد، گرفتاری های روزمره، تامین نهاده ها با قیمت مناسب یا موضوعات بازرگانی از جمله قیمت کم محصول نهایی هستند.

نویسنده می افزاید:

در یک محاسبه ساده دولت از محل افزایش آب، برق، نان و حامل های سوخت قرار است مبلغ ۵۹ هزار و





۳۰۰ میلیارد تومان تأمین کند و در مقابل فقط ۱۱ هزار میلیارد تومان برای کلمه مبهم و گنگی به نام "تولید" اختصاص دهد، از نظر اقتصاد دانان این کلمه دامنه شمول عام دارد و از تولید شیر، گوشت، تخم مرغ، خیار، گوجه، پیاز و... گرفته تا تولید دمپایی پلاستیکی، سیم ظرفشویی، چرخ دنده خودرو و... را در بر می گیرد همچنین می تواند صدها مورد دیگر مثلاً حمل و نقل را نیز شامل شود.

**منصور انصاری نتیجه می گیرد:**

در این فرآیند در هم تنیده و پیچیده وضعیت حمایت از تولیدات پر خطر و آسیب پذیر کشاورزی در مرحله دوم قانون هدفمندی یارانه ها مشخص نیست، اما آنچه بسیار مشخص است این که افزایش ۷۱ درصدی قیمت حامل های سوخت بر تمام فرآیند محصولات کشاورزی و فرآورده های دام و طیور و صنایع تبدیلی و تکمیلی چه پیش از تولید و چه پس از آن اثر مستقیم خواهد گذاشت. اثر مستقیم بر فرآیند تولید محصولات به این معنی است که قیمت آنها افزایش می یابد، آیا دولت تدبیر و امید و مجلس نسبت به افزایش قیمت کالاهای اساسی مانند گوشت قرمز، گوشت مرغ، تخم مرغ، شیر و مواد لبنی و به حمایت از قدرت خرید مصرف کنندگان میلیونی در ۴ دهک پائین جامعه از خود حساسیت یا واکنش بازدارنده نشان نخواهند داد؟ یا بر آنند که به رغم افزایش هزینه های تولید و افزایش قیمت تمام شده محصولات از جیب تولید کنندگان و از سرمایه ثابت آنان رضایت مصرف کنندگان را به هر طریق جذب کنند؟ آیا راهبرد واردات انواع محصولات کشاورزی و فرآورده های غذایی به عنوان مقابله با گرانی کالاهای کشاورزی تولید داخل مجدداً چون گذشته اولویت نخواهد یافت؟

**وی در پایان می گوید:**

لذا به نظر می رسد که دولت تدبیر و امید از میان صدها عنوان تولیدی که قرار است از محل رقم ۱۱ هزار میلیارد تومان یارانه اختصاصی به این بخش مورد حمایت قرار گیرند از هم اکنون باید اولویت های خود را تعیین کند زیرا این رقم در مقابل افزایش قیمت حامل های سوخت، انرژی، آب، و نان برای حمایت از تمامی عرصه های مختلف تولید داخل بسیار اندک و ناکارآمد است.



شماره ۱۴۶ - اسفند ۱۳۹۲

**گزارش**

**رشد منفی ۲/۱ درصدی فعالیت های کشاورزی**

**در ۶ ماهه اول سال ۹۲**

این مطلب گزارشی است از وضعیت آمار رشد اقتصادی کشور در سال ۱۳۹۱ و ۶ ماهه نخست سال ۱۳۹۲ به شرح زیر:

پس از سال هارمز آمار به همراه بانک مرکزی اظهارات معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری را تایید کرد و از رسیدن نرخ رشد اقتصادی به منفی ۲ درصد در ۶ ماهه نخست سال جاری خبر داد. این در حالی است که رشد اقتصادی برای سال ۱۳۹۱ منفی ۰/۴ درصد از سوی بانک مرکزی اعلام شده بود که حاکی از بهبود وضعیت اقتصادی ایران از فروردین تا پایان شهریور ماه امسال است. نتایج بررسی های مرکز آمار حاکی است رشد اقتصادی رشته فعالیت های گروه کشاورزی در ۶ ماهه نخست امسال منفی ۲/۱ درصد، گروه صنعت منفی ۰/۴ درصد و گروه خدمات ۰/۶ درصد بوده است، این در شرایطی است که سال گذشته به رغم رشد منفی بالای دو بخش صنعت و معدن و خدمات، کشاورزی به رشد ۶/۳ درصد دست یافته که در جمع کل رشد اقتصاد کشور تاثیر مثبت داشته است. همین

منبع گزارش می دهد که تغییرات بخش کشاورزی طی سال ۹۱ تا پایان شهریور ماه از ۶۳ درصد مثبت تا ۲/۱ منفی رقم ۸/۴ درصد بوده است که به مثابه تکانه ای اقتصادی به زیان سرمایه گذاران فعالان بخش خصوصی در کشاورزی و اشتغال در این بخش بوده است.

بانک مرکزی نیز با اعلام آمارهایی نزدیک به مرکز آمار در قسمتی از گزارش خود تولید ناخالص داخلی را ۶۷۶۱ هزار میلیارد تومان اعلام نموده که سهم نفت ۱۷/۷، کشاورزی ۱۱/۸، صنایع و معادن ۲۲/۳ و خدمات ۵۱/۵ درصد آن است.

در گروه صنایع و معادن نیز بخش صنعت و معدن سهمی معادل ۱۴/۹ درصد و بخش ساختمان ۵ درصد در تولید ناخالص داخلی سهم داشته است.

در آمار بانک مرکزی رشد اقتصادی برای سال ۹۱ منفی ۵/۸ درصد اعلام شده که با توجه به نرخ اعلام شده از سوی مرکز آمار ایران (منفی ۵/۶ درصد) و همچنین تورم ۴۱ درصدی می توان گفت اقتصاد ایران در سال ۹۱ یکی از سالهای رکود همراه با تورم شدید را تجربه کرده است.



شماره ۱۴۶ - اسفند ۱۳۹۲

مصاحبه

### راهکارهای اجرای شیوه اینترنتی

### گفتمانی ملی میان صاحبان صنایع و مدیران ارشد تشکلهای صنعت مرغداری

در گفتار نخست این مصاحبه آمده است:

با درج گزارش مشروح بحث یکپارچه سازی در زنجیره تولید گوشت مرغ از حلقه های آغازین تولید تا سفره خانوار در شماره ۱۴۴ دی ماه گذشته مجله دامپروان با موجهی از اظهار نظرها در میان زیربخش های مختلف صنعت طیور به صورت های مختلف مواجه شدیم.

غالباً کلیات مطلب را تائید ولی علاقمند بودند مباحثی دیگر از این سامانه مدیریتی مورد مذاقه و بحث قرار گیرد، مواردی نیز در رابطه با این نوشته گلایه می کردند که الزاماً نقش تمامی گشتارگاه های صنعتی طیور در صنعت مرغداری آن گونه که گفته شده بود نیست، امکان همراهی و همکاری آنان با زنجیره نیز وجود دارد به ویژه اگر خود عهده دار انجام زنجیره باشند، بخشی از کارشناسان دولتی مرتبط نیز تیر مطلب را شبیه برانگیز می دانستند که گویا ما گفته و نوشته ایم اینترنتی نیز به رانت تبدیل خواهد شد.

بسیاری نیز می گفتند مطلب بسیار عالی، سنجیده و منصفانه بود و آنجا هم که انتقادی شده است جنبه مشفقانه و هشدار دارد چه بسا که یک طرح با حسن نیت و با هدف تحول مورد حمایت دولت و بخش خصوصی قرار می گیرد ولی در عمل به انحراف کشیده می شود.

طبعاً کار مطبوعات تحلیل از رخدادها و پیش بینی مسیری است که ممکن است کار را به انحراف بکشانند. به هر حال هر چه که بود انعکاس گسترده و واکنش های زیادی به دنبال داشت.

در نهایت بر آن شدیم که با انجام گفتگوهای اختصاصی با صاحب نظران، شامل مدیران تشکلهای کارشناسان مستقل و مدیران شرکت های مطرح و موفق موضوع را در ابعاد مختلف مطرح سازیم. البته در فرصتی کوتاه تلاش کردیم که یکی از برگزیده ترین الگوهای موفق را به عنوان مصداق، جدای از این گزارش به صورت مشروح و مصور معرفی کنیم تا اجرای طرح های یک پارچه سازی ملموس تر شوند.

علاقمندان می توانند با مراجعه به این شماره مجله از محتوای این گفتگوها و نظرات ایشان بهره مند شوند.





**صدای کشاورزان در میان صداهای دیگر گم شده است**

**مطلب مذکور در آخرین نشست تعدادی از مدیران مسئول مجلات فعال بخش کشاورزی با مهندس حجتی و**

**سه تن از معاونان موثر وی نوشته شده است، در این مطلب آمده است:**

مهندس حجتی گفت: کشاورزی کشور و کشاورزان باید به اندازه جایگاهی که دارند موضوع شوند و شما باید رسیدگی به مسائل کشاورزی و کشاورزان را به دغدغه تصمیم گیران و تصمیم سازان کشور بدل کنید.

وی خود با غمی عمیق و افسوس افزود: به واقع صدای کشاورزان شنیده نمی شود. ایشان با اینکه راهکاری جامع ارائه نداد ولی خاطر نشان ساخت: در بسیاری از مراکز ستادی و تصمیم گیر به رغم حسن نیت، حساسیت فرآیند تولیدات کشاورزی درک نمی شود و قیاسی که صورت می گیرد منطبق با واقعیت های تولیدات کشاورزی که بسیار آسیب پذیر هستند نیست.

مهندس محمود حجتی در فرازی دیگر و در رابطه با نقش تشکل های مربوط به کشاورزی یادآور شد: چرا تشکل ها نمی توانند شرکت های بازرگانی قدرتمند و توانا تشکیل دهند تا مثلاً مانند فلان بازرگان که دست توانایی در واردات نهاده هایی چون ذرت و سویا دارد، خود واردات مربوط را انجام و به موقع توزیع کنند؟

**در ادامه این گزارش، از قول نویسنده که در آن جلسه حضور داشته است خطاب به وزیر آمده است:**

موضوع کردن کشاورزی و رساندن صدای کشاورزان الزاماً از خود وزارتخانه شروع می شود، وقتی وزارتخانه نسبت به مسائل مربوط به کشاورزی حساسیتی نداشته باشد طبعاً سایر بخش ها نیز کمتر حساس می شوند، ولی واقعیت این است به رغم جایگاهی که کشاورزی کشور در اقتصاد کلان کشور دارد صدایش در میان هیاهوی بسیار دیگر که غالباً در حوزه غوغا سالاری هستند شنیده نمی شود، وقتی کشاورزان نمونه کشور حتی در حد یک خبر در صدر اخبار رسانه ملی قرار نمی گیرند، مصاحبه و گفتگویی با آنان انجام نمی شود و افتخار ایجاد شده توسط آنان که تنه به رقابت های جهانی می زند در حد یک بازی فوتبال گل کوچک استانی سوژه نمی شود چه انتظاری هست که صدای کشاورزی و کشاورزان کشور شنیده شود؟

وقتی رسانه ملی تبلیغات محور می شود و به تدریج بخش های مختلف برنامه های خود را در قالب رپورتاژهای خبری پول ساز قرار می دهد و از اینکه منافع ملی محور شود فاصله گرفته است، چگونه می توان انتظار داشت صدای کشاورزی کشور شنیده شود و اخبارش در صفحه اول روزنامه ها قرار گیرد؟ گویا تدوین کنندگان راهبردهای افکار عمومی مخاطبانی می خواهند که بر سر مسائل کاذب و موضوعاتی که منشا هیچ اثری در عزم ملی نیستند بیش از حد هیجان زده شوند.

آیا هیجان رقابت در میان ۳ میلیون و پانصد هزار بهره بردار کشاورزی در زیر بخش های مختلف برای تعیین برترهایی که راندمان تولیدشان با حیرت در عرصه جهانی نیز مواجه می شود چیز کمی است که ظاهراً تصمیم گیرندگان راهبردهای افکار عمومی بر آن نیستند به شکرانه نان، شیر و گوشت و تخم مرغ و میوه و تره باری که در نهایت وفور و سلامت تناول می فرمایند از ایجاد کنندگان بهترین آنها تجلیل کنند و به مردم نیز بگویند برای برکت سفره هایشان، ضمن سپاس به درگاه پروردگار تولید کنندگان برتر را ارج نهند؟





شماره ۱۴۶ - اسفند ۱۳۹۲

گزارش

صنعت مرغداری وارد کابینه بخش خصوصی شد

مطلب فوق گزارشی است از تشکیل «انجمن ملی طیور ایران». نویسنده در مطلع این گزارش آورده است: اگر این گفته و ارزیابی را بپذیریم که اتاق بازرگانی، صنایع و معادن کشاورزی ایران کابینه بخش خصوصی است و جایگاه آن را در حد کابینه دولت یاد رکنار آن بدانیم باید گفت تشکیل «انجمن ملی طیور ایران» امکان حضور تاثیرگذار صنعت طیور را در این کابینه قدرتمند و ماندگار فراهم ساخته است.

صنعت مرغداری با حضور بزرگان خود و در این مقطع تاریخی آشکار ساخت به رشد فکری و فرهنگی در سطح ملی برای تشخیص منافع و مصالح همگانی خود دست یافته و منافع محدود رشته‌های صنفی‌اش را بر منافع کلان و عمومی صنعت ترجیح نمی‌دهد، چالش‌ها و گفتمان‌های رقابتی در این نشست نیز طبیعی بود، این برآمد از تقابل و تفاهم آشکار ساخت که صنعت مرغداری درک کرده است راه نجات همگان «ایجاد زنجیره تولید و یک پارچه سازی است» و منافع کشتارگاه‌های صنعتی طیور وقتی تامین می‌شود که منافع و مصالح این یا آن مرغداری در این یا آن استان کشور ملحوظ شود، نشست ۶ ساعته انتخابات انجمن ملی صنایع طیور نیز رفتاری در حد مجالس متداول قانون گذاری در میان حلقه‌های متعدد زنجیره تولید گوشت مرغ و تخم مرغ به نمایش گذاشت که در عین «تضاد منافع نمایندگان از استان‌های مختلف» بر سر کلیات به تفاهم می‌رسند و البته امیدواری بسیاری فراهم ساخت که از این پس صنعت مرغداری می‌تواند در کنار سایر صنایع بزرگ کشور در کابینه بخش خصوصی در جریان تصمیمات و اطلاعات بازرگانی قرار گیرد و با شیوه‌های متداول بر تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های کلان اثرگذار باشد.

در این جلسه، در نهایت طبق اساسنامه و با رعایت محدودیت انتخاب در هر کدام از رشته‌ها و الزام به گزینش از میان شرکت‌هایی که موفق به اجرای اینتگریشن شده بودند، اعضای هیات امنای انتخاب شدند که علاقمندان و جویندگان می‌توانند با مراجعه به این شماره مجله به لیست مورد نظر دسترسی پیدا کنند.



شماره ۱۴۶ - اسفند ۱۳۹۲

مقاله تحلیلی

خانه تکانی در شرکت‌های اقماری وزارت جهاد کشاورزی اجتناب ناپذیر است

این مقاله همان طور که از نامش پیداست سری زده است به شرکت‌های زیر مجموعه وزارت جهاد کشاورزی و نویسنده در مطلع این مقاله آورده است:

پیش از این و طی سالیان متمادی شرکت‌های در بسته و سربسته اقماری وزارت جهاد کشاورزی با این بهانه که ابزارهای اعمال سیاست‌های بازرگانی حاکمیتی هستند و وظیفه دارند در مواجهه و مقابله با بحران‌های



ناشی از کمبود یا گرانی نهاده‌ها، تعدیل قیمت فرآورده‌ها و محصولات نهایی همچون گوشت مرغ، تخم مرغ، گوشت قرمز، و یا تخم مرغ نطفه‌دار و حتی جنین و اسپرم یا مواردی از این دست به صورت چراغ خاموش و به دستور مستقیم یا غیر مستقیم این یا آن نهاد، یا خود وزارتخانه اقدام به واردات کنند و با این فرض که هدف تنظیم بازار است و الزاماً بحث تجاری در میان نیست ممکن بود در سایه ضرورت‌های سیاسی عملکرد سود و زیان یا خطاهای احتمالی آنان به صورت شفاف و در منظر افکار عمومی به خصوص رسانه‌های تخصصی احصاء نشود.

#### وی می‌گوید:

حال که وزارت جهاد کشاورزی طبق قانون انتزاع مجموعه فعالیت‌های بازرگانی و تنظیم بازار را بر عهده دارد و دامنه شمول این اقدام به عرصه‌های عام نیز فرار و پیده است، طبعاً تمامی این شرکت‌های اقماری «مصلحت محور» وارد زنجیره گسترده تنظیم بازار می‌شوند و نه فقط در شرایط بحرانی و خاص و برای واردات کالاهای موردی، بلکه برای تمامی کالاهای مورد مصرف جمعیت بالغ بر ۷۵ میلیون نفر کشور فعالیت می‌کنند لذا دیگر نمی‌توانند در نقش مصلحت‌بینی، کار تجاری و بازرگانی انجام دهند و واردات این یا آن قلم کالا برای تنظیم بازار در این یا آن شرایط کمبود و گرانی را با هر قیمت و تحت هر شرایطی حتی با زیان نهفته انجام دهند.

باید شرح وظایفی نو با تعاریفی جدید و نوع مدیریتی متفاوت برای آنها تدوین شود تا به گونه‌ای آشکار و شفاف وارد فعالیت‌های رقابتی در حوزه بازرگانی شوند و مسئولیت بخشی از این وظیفه عام را بر عهده گیرند.



شماره ۱۴۶ - اسفند ۱۳۹۲

#### مقاله تحلیلی

#### حفر چاه‌های غیر مجاز، فاجعه ملی

موضوع این نوشته «شدت وحدت حفر چاه‌های غیر مجاز طی ده سال گذشته» است که اینک به فاجعه‌ای ملی و غیر قابل کنترل تبدیل شده است.

گرچه همواره این پدیده طی چند دهه گذشته وجود داشته و با افزایش جمعیت، تکیه بیش از حد به تامین و تولید تمامی محصولات کشاورزی در داخل کشور، ضایعات ۳۰ درصدی محصولات، نبود صنایع، نگهدارنده تبدیلی و تکمیلی کافی و افزایش تقاضای بازار مصرف در یک فرآیند در هم تنیده، تقاضا برای آب کشاورزی در نقاط مختلف کشور و در نتیجه قیمت چاه آب را افزایش داد و حفر آن را به یک کالای سرمایه‌ای تبدیل کرد.

با ادامه این روند بحران و فاجعه کاهش منابع آب در کشوری چون کشور ما که خشک و نیمه خشک است دامن گسترانید و سفره‌های آب زیرزمینی کاهش یافت به گونه‌ای که اگر پیش از این، در این یا آن نقطه کشور با حفر ۱۰۰ متر چاه به آب می‌رسیدیم اینک به طور متوسط با حفر چاه‌های ۳۰۰ تا ۳۵۰ متری - در بسیاری جاها حتی با حفر بیشتر از این نیز - امکان دسترسی به آب فراهم می‌شود.

در ادامه، مجلس شورای اسلامی با همکاری کمیسیون کشاورزی با این هدف که جلوی فاجعه را بگیرد طرحی را پیشنهاد داد که به صورت ماده واحده‌ای با عنوان «قانون تعیین تکلیف چاه‌های آب فاقد پروانه بهره‌برداری» با ۷ تبصره در ۱۳/۴/۱۳۸۹ در صحن علنی مجلس تصویب و به

فاصله کمتر از ۱۲ روز به تصویب شورای نگهبان رسید و طبق متن یکی از تبصره‌های این قانون پس از ۳ ماه اجرای آن نیز توسط دولت لازم گردید، اما به واقع و بر بستر آنچه در حوزه کشاورزی کشور و تقاضا برای آب



و حفر چاه‌های آب وجود داشت این قانون به مثابه تیغی دولبه عمل کرد که لبه تیزتر آن منافع ملی را برید و اقدام به گونه‌ای بود که بهشتی برای حفاران چاه‌های غیر مجاز که گویا نامریی بوده‌اند و چشم هیچ تنابنده‌ای عمل آنان را مشاهده نمی‌کرده است فراهم شد؛ حفر چاه‌های بسیاری صورت گرفت و مدارک و مستندات نیز برای انطباق با قانون ارائه گردید که در ماده واحده می‌گوید: «صدور پروانه فقط برای آن حلقه چاه‌هایی خواهد بود که قبل از پایان سال ۱۳۸۵ حفر شده و مدارک وزارت نیرو نیز حفر آنها را تایید می‌کند.»

با تصویب این قانون حفر چاه‌های غیر مجاز گسترش بی سابقه‌ای یافت، حتی چاه‌های متروک نیز احیا شدند تا پروانه بگیرند، موضوعی که بر خلاف منظور و هدف قانونگذار بود! با اینکه نمی‌توان مستندات حقوقی در این باره ارائه داد ولی بدیهی است سندسازی مبنی بر اینکه این حفر چاه یا آن نیمه چاه مربوط به قبل از سال ۱۳۸۵ بوده است نمی‌تواند کارچندان دشواری بوده باشد.

این موضوع می‌تواند مستندی باشد که اجرای قانون مربوط نتوانست سامانه آب سفره‌های زیرزمینی را بهبود بخشد لذا به نظر می‌رسد که از علمای اعلام و فقهای جامع‌الشرایط استفتاء صورت گیرد که آیا حفر چاه‌های غیر مجاز و استفاده از آب آنها حلال است؟ شاید فتاوی‌بتوانند فرهنگ عمومی را به سمتی سوق دهند که اینگونه عرصه‌های تمدن سرزمینی را به ورطه هلاکت نکشانند و گسترش کشاورزی غیر مسئولانه به این عنوان که تولید محصولات را افزایش می‌دهد حداقل مورد تشویق و تحسین قرار نگیرد.



## فرم اشتراک مجله دامپروان

دامپروان  
مجله تخصصی مرغداران و دامپروانان ایران

نام : ..... نام خانوادگی : ..... تاریخ تولد : .....

شغل : .....

نشانی : ..... کدپستی ۱۰ رقمی : .....

تلفن : ..... کد شهرستان : ..... اشتراک از شماره : ..... تا شماره : .....

پست الکترونیکی : .....



هزینه اشتراک یک ساله مجله دامپروان به انضمام بسته‌بندی و پست : ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال (صد هزار تومان)

نحوه اشتراک :

۱- فرم فوق را به طور خوانا و کامل پر نمایید.

۲- مبلغ اشتراک را (۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال) به حساب شماره ۰۱۰۰۷۹۸۳۷۲۰۰۶ سپهر بانک صادرات به نام آقای منصور انصاری واریز نمایید.

۳- فیش بانکی واریزی را همراه با فرم پر شده به شماره فاکس : ۶۶۹۱۳۱۶۳ (۰۲۱) و یا به نشانی : تهران - میدان توحید، خیابان توحید، خیابان نادر، پلاک ۳۷ (ساختمان مجله دامپروان) ارسال نمایید. (لطفا در صورت ارسال فاکس، نام و شماره تلفن مستقیم خود را به صورت خوانا بر روی فیش واریزی درج نمایید)

«برای کسب اطلاعات بیشتر با تلفن های ۴-۰۶۶۹۴۶۲۵۰ (۰۲۱) تماس بگیرید.»

## Not matching view points of state and majlis on agricultural issues



In this article, “Damparvaran” at first has described the responsibilities of state and majlis, then has referred to duties of majlis on interpellating the government because of defending the people’s right.

Unfortunately there are many differences between majlis representatives and statemen on economical agriculture, productivity and commercial.

From one side, majlis considers religious persuasion towards fundamentals of agriculture; while from other side the 11th state has attitude of: economical productivity, utility of newest technologies, relationship with other countries, increasing of profitability.

So, it’s obvious these two different viewpoints will cause some difficulties in our agricultural sectors

### Ag glance reviewing of “Damparvaran” in the last year

The head of editorial board of “Damparvaran”, Mrs. Faranak Masoudi, has collected initiatively some criticizing articles from the last 12 volumes of this journal in 2012-13. These selected articles are almost related to economical agriculture subjects. The preference of this initiative action is that if a reader has not reached to “Damparvaran” in last year, it’s a good chance for informing of all events of agriculture during last year. The said articles consists of all problems, events and challenges of agriculture and husbandry industry in Iran.

The most important head lines are as below:

- \* Who is future president and what is his responsibility for agricultural sectors
- \* Not only we have destroyed water – sources, but also our independency is declining, too
- \* The new selected president and his plans for productivity
- \* General diplomatic is empty of agriculture diplomacy
- \* Election of Mr. E. Hojgati as the ministry of jihade agriculture
- \* Abroad farmlanss project
- \* The Fourth congress of Farmer`s House
- \* Subsidiary valid-cards for milk and dairy products is the best supportive solution
- \* Agricultural lows and restriction are not same as wooden swars!  
should be more serious on their execution
- \* Paralel with execution of segregation law, many questions are asked in adjusting the market
- \* What`s the portion of agricultural sectors in second phase of aiming cooperatives bill?

*In the name of GOD*

## Damparvaran

The Iranian Economic Agricultural  
Animal Husbandry & Poultry Magazine

Vol. 15      No.147      72 pp.  
Apr 2014

ISSN 1680-1350

Founder and responsible executive:  
M. Bijanpour - [mnbijanpour@yahoo.com](mailto:mnbijanpour@yahoo.com)

Under the auspices of:  
Editorial council

Manager and Editor in chief:  
M. Ansari  
[ansari@damparvaran.com](mailto:ansari@damparvaran.com)

Reports Liabe & proof: Faranak Masoudi

International Editor and Overseas Adve -  
tishment Executive  
M. Ansari

Reporter :  
Siavash Ansari

Lithography: Noghreh Aby  
Print: Noghreh Aby

Address: no.37, Nader St.Tohid Ave.  
tehran, Iran - Potalcode:  
1457884871  
[www.damparvaran.com](http://www.damparvaran.com)  
Fax: (+98 21) 66913163  
Tel: +98 21 66913162  
+98 21 66946250/52  
[damparvaran@damparvaran.com](mailto:damparvaran@damparvaran.com)

1) Not matching view points of state and  
majlis on agricultural issues

2) A glance reviewing of "Damparvaran"  
in the last year

\* Who is future president and what is his responsibil-  
ity for agricultural sectors

\* Not only we have destroyed water-sources, but also  
our independency is declining, too

\* The new selected president and his plans for pro-  
ductivity

\* General diplomatic is empty of agriculture diplo-  
macy

\* Election of Mr. E. Hojgati as the ministry of jihade  
agriculture

\* Abroad farmlanss project

\* The Fourth congress of Farmer`s House

\* Subsidiary valid-cards for milk and dairy products  
is the best supportive solution

.....